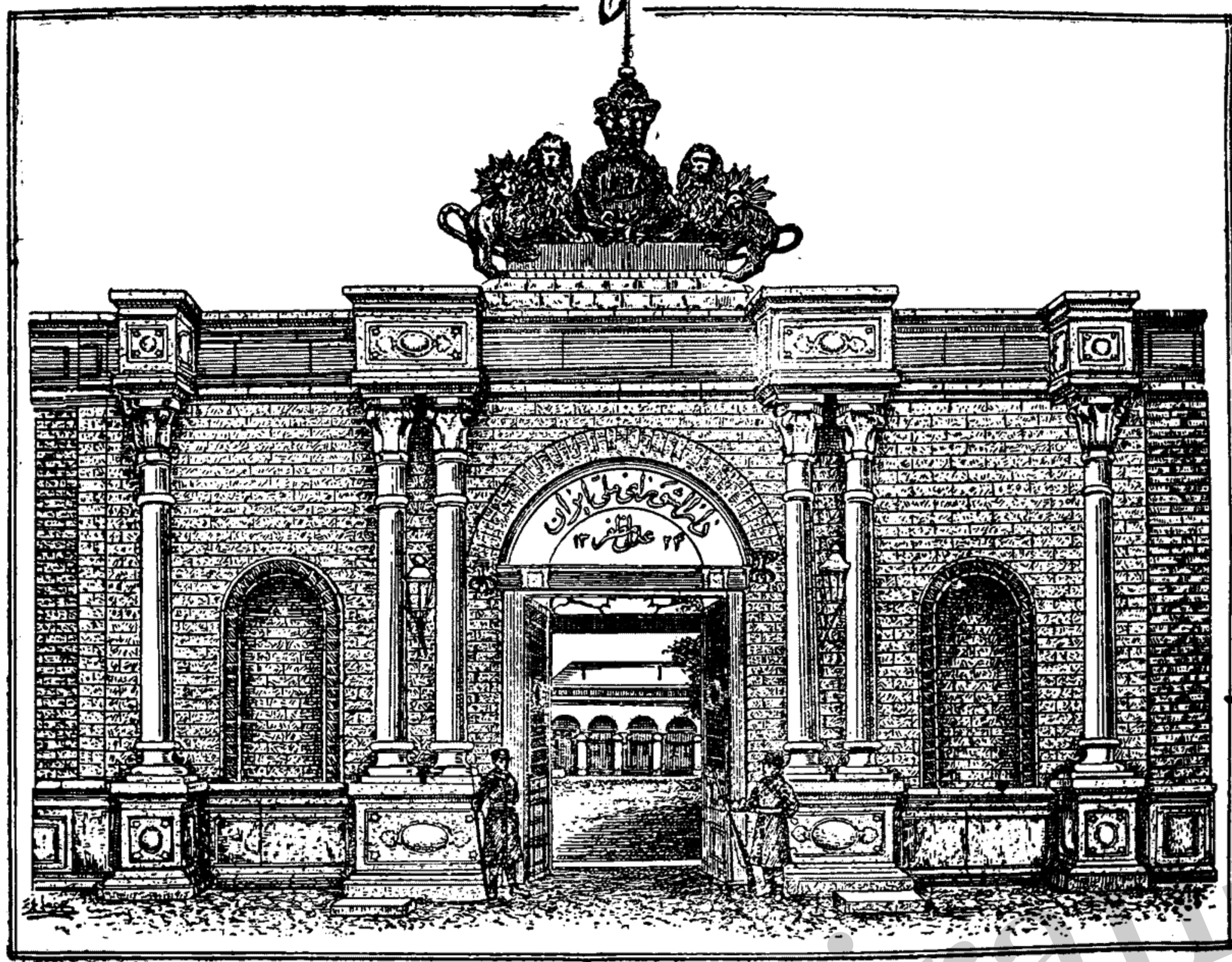


دوره ششم تقنینیه

<p>جلسه ۱۱۲</p>	<h1>مذاکرات مجلس</h1>	<p>شماره ۷۷</p>
<p>تاریخ تأسیس آذر ۱۳۰۵ جلسه سه شنبه ۹ خرداد ماه ۱۳۰۶ مطابق ۲۹ ذیقعدة الحرام ۱۳۴۵</p>	<p>مندرجات فقط شامل مذاکرات مشروح جلسات مجلس شورای ملی خواهد بود پس از ختم هر جلسه کلیه مذاکرات در يك شماره منتشر میشود. مطبعة مجلس</p>	<p>قیمه اشتراك داخله ایران سالیانه ده تومان خارجه « دوازده تومان قیمه تك شماره يك قران</p>



مذاکرات مجلس

دوره ششم تقنینیه

صورت مشروح مجلس سه شنبه ۹ خرداد ماه ۱۳۰۶ مطابق ۲۹ ذیقعده ۱۳۴۵

جلسه ۱۱۲

(مجلس یکساعت و نیم قبل از ظهر بریاست آقای پیرنیا تشکیل گردید)
(صورت مجلس روز یکشنبه هفتم خرداد را آقای بنی سلیمان قرائت نمودند)

غائبین با اجازه جلسه قبل
آقایان: عمادی - اسفندیاری - نظام مافی - ضیاء -
حشمتی - حیدری مکرری - نوبخت - فرشی - دکترلقمان
زعیم -

عنوان	از صفحه	الی صفحه	عبره
بقیه شور اول نسبت بخر کبسیون بودجه راجع به فروش خالصجات (ماده ۷ الی ماده ۹)	۱۵۵۲	۱۵۶۰	۱

غائبین کی اجازت جلسہ قبل

آقایان: علی خان اعظمی - دکتہ صدق - حاج حسن آقا ملک -

دیر آمدہ یا اجازت جلسہ قبل

آقای قوام

دیر آمدگان کی اجازت جلسہ قبل

آقایان: مرتضیٰ قلیخان بیات - دشتی - پور تیمور - بہار رئیس - آقای پور تیمور

ملک ابرج میرزا پور تیمور - بندہ را جزو غائبین کی اجازت نوشتہ اند در صورتی کہ یکساعت بظہر ماندہ اجازت خواستہ کتباً ہم حضور خود تان تقدیم کردہ.

رئیس - بکمیسریون عرایض و مرخصی مراجعہ شدہ است. آقای آقا سید یعقوب

آقا سید یعقوب - آنجا در صورت مجلس نوشتہ بود خبر کمیسریون قوانین مالیہ راجع بحالصجات در سورتیکہ خبر کمیسریون بودجہ بود

شہروان - صحیح است

رئیس - اصلاح میشود. صورت مجلس دیگر ایرادی ندارد؟

(گفتند خیر)

رئیس - صورت مجلس با این اصلاحیکہ ذکر شد تصویب شد.

رئیس - لایحہ فروش خالصجات از مادہ ہفتم مطرح است.

(مادہ مزبور این قسم قرائت شد)

از کلیہ املاک و اراضی خالصہ کہ برطبق مدلول این قانون از طرف دولت فروختہ میشود مالیات مطابق مقررات قانون مثل سایر املاک شخصی مطالبہ و دریافت خواہد گردید.

رئیس - آقای آقا سید یعقوب

آقا سید یعقوب - بندہ خواستہ بدستم (یعنی حالاً در خودہ دیدم کہ انسان در موقع صحبت بیشتر متنبہ میشود) اصل ذکر کردن این مادہ در لایحہ فایدہ اش چیست؟ حقیقہً بہ بدستم آیتعریف از یک چیزی میکنند کہ مثلاً جامع و نافع باشد. خبر. اصل این مطلب را ذکر کردن بعقیدہ بندہ خودش یک وحشتی میآورد چونکہ در مادہ اول ما بیان کردیم کہ دولت باید خالصجات را بفروشد ب مردم. اوہم یک معاملہ میکنند. مردم ہم مالک میشوند. دیگر این عنوان در این مادہ مورد ندارد. این جا کہ عنوان خالصہ انتقالی نیست کہ باقساط باشد و مالیاتش یک طرز خاصی باشد. ذکر این مادہ هیچ فیدہ ندارد جز اینکہ موہم یک توہمی باشد. ملکی را کہ بندہ بدیگری میفروشم مالیاتی را کہ دولت از آن میگیرد یک مالیاتی است مثل مالیات سایر افراد کہ با ہم معاملہ می کنند. مالیاتی را کہ از املاک افراد میگیرند و معاملہ کہ افراد با ہم می کنند هیچ درش ذکر میشود کہ باید مالیاتش را ہم بدہی؟ این مسلم است کہ باید مثل سایر املاک مالیاتش را بدہد دیگر ذکر کردن چرا؟ خواستہ بدستم فایدہ این مادہ چیست؟ بعقیدہ بندہ هیچ فایدہ ندارد و جامع و نافع نیست مگر اینکہ بفرمایند مفید فایدہ هست.

رئیس - آقای روحی

روحی - عرض کنم این املاکی کہ بعنوان خالصہ فروختہ میشود ہمہ میدانند کہ املاک خالصہ انتقالی یک مالیات معینی دارد. و ذکر این مادہ در این قانون حتماً لازم است برای اینکہ مردم بدانند این ملک بعد از فروختن مالیاتش چطور خواہد بود. بنا بر این هیچ مانعی ندارد کہ این مادہ در این جا باشد کہ کلی توہم خالصہ بودنش از بین برود و معلوم شود کہ مالیاتش کاملاً مثل سایر املاک است

رئیس - آقای عدل

عدل - بندہ با این مادہ و اساس آن مخالفتی ندارم غیر از اینکہ معتقدم باید یک طوری مطلب را نوشت کہ اسباب زحمت مردم نشود. بعلاوہ باید قید شود مالیات ارضی کہ دیگر علاوہ بر مالیات ارضی چیزی مطالبہ نمایند. پیشنہادی ہم در این خصوص تقدیم کردہ ام و معتقدم مادہ اینقسم تنظیم شود. از کلیہ املاک و اراضی خالصہ کہ بر طبق مدلول این قانون از طرف دولت فروختہ میشود مالیات مطابق مقررات قانون مثل سایر املاک شخصی مطالبہ میشود و هیچگونہ مالیات و عوارض دیگری تعلق نمیگیرد.

بعضی از نمایندگان - مذاکرات کافی است

رئیس - دو فقرہ پیشنہاد رسیدہ است کہ قرائت صحیح شود.

(بشرح ذیل خواندہ شد)

پیشنہاد آقا سید یعقوب. پیشنہاد میکنم کہ این مادہ حذف شود.

پیشنہاد آقای عدل. مادہ ۷ را بترتیب ذیل پیشنہاد میکنم: از کلیہ املاک و اراضی خالصہ کہ بر طبق مدلول این قانون فروختہ میشود جز مالیاتہائی کہ مطابق مقررات قانون مثل سایر املاک شخصی مطالبہ میشود هیچگونہ مالیات و عوارض دیگر دریافت نخواہد شد

پیشنہاد آقای دکتہ طاہری

پیشنہاد میشود در مادہ ہفتم سطر سوم کلمہ شخصی تبدیل شود بہ (ارضی)

رئیس - مادہ ہفتم:

(اینقسم قرائت شد)

مادہ ہفتم - عواید حاصلہ از فروش خالصجات بمصرف سرمایہ بانک دولتی کہ بموجب قانون جداگانہ تأسیس میشود خواہد رسید.

رئیس - آقای ارباب کیخسرو

ارباب کیخسرو - بندہ اینجا دو نظر در مادہ دارم یکی اینکہ مقصود از کلمہ عواید را نمیدانم چیست. زیرا ملکی کہ فروختہ شد فقط یک قیمتی از بابت آن گرفته میشود و عواید اینجا اصطلاحاً معمول است برای حاصلی کہ بدست میآید یعنی فایدہ ولی اینجا صحبت از فایدہ نیست و عقیدہ بندہ این است کہ (عواید) باید تبدیل شود بہ (قیمت) تا بہ در این مادہ قانون بطور تمامہ مینویسد کہ قیمت حاصلہ از فروش املاک خالصہ باید بمصرف سرمایہ بانک برسد اگرچہ در قانونی کہ برای تأسیس بانک دولتی گذشتہ است بانک همچو ذکر کردہ آنجا شدہ است ولی چون این قانون اختصاص دارد بفروش خالصہ نمیدانم در کمیسریون بودجہ این مسئلہ را در نظر گرفته اند کہ تمام عوائد حاصلہ از فروش خالصہ تخصیص بسرمایہ بانک دادہ خواہد شد و هیچ مورد دیگری نخواہد داشت یا خیر؟ این را خوبست توضیح بدہند.

شہروانی (مخبر کمیسریون بودجہ) - ایراد اول نمایندہ محترم ایراد عبارتی بود و تصور میکنم کہ مورد نداشته باشد زیرا اگر قیمت می نوشتیم تقریباً اطلاق میشد باینکہ در یکسال یا در موقع فروش ما یک قیمتی را مطالبہ میکنیم ولی چون این جا قیمت تدریجی گرفته میشود میتوان گفت یک عایدی سالیانہ است و مخصوصاً ہم نوشتہ شدہ عایدی حاصلہ از فروش خالصہ (گویا لایحہ خدمتشان نباشد) یعنی بتدریج سال بسال یک مبلغی کہ بابت فروش خالصہ عایدمان میشود جزو سرمایہ بانک خواہد شد. اما قسمت دوم ایراد نمایندہ محترم را بندہ درست ملتفت نشدم. آیا مقصود این بود کہ نباید این پول بمصرف سرمایہ بانک برسد؟ اگر مقصود این است کہ عقیدہ کمیسریون برخلاف سلیقہ و عقیدہ ایشان است و عقیدہ دارد کہ منحصرأ این پول باید بمصرف تأسیس بانک برسد و گمان ہم نمیکم کہ ایشان مخالف این مطلب باشند. و ما ہم پول فروش خالصجات را نمیخواہیم جزو عوائد مملکتی یعنی صرف تأسیس

میز و صندلی بکنیم منحصرأ باید صرف تأسیس بانک بشود و البتہ بموجب يك لایحه دیگری که ملاحظه فرمودید (لایحه توسعه اقتصادی) نصف سرمایه این بانک هم صرف کارهای اقتصادی و امور مفید و عام المنفعه در مملکت خواهد شد ، که در هر صورت از آن ضرری که فعلاً مانع از فروش خالصات می دهیم بهتر خواهد بود .

رئیس - آقای عدل

میرزا یوسفخان (عدل) - عرض می شود . این خبر را بنده تصور میکنم آقای مخبر وقتی تنظیم کرده اند که هنوز قانون بانک نگذشته بود این است که این جا مینویسد : بموجب قانون جداگانه عوائد حاصله از فروش خالصات مصرف تأسیس بانک خواهد رسید در صورتیکه باید نوشت بموجب قانون مصوبه فلان تاریخ ، و همینطور هم پیشنهاد کرده ام .

بعضی از نمایندگان - مذاکرات کافی است .

رئیس - آقایان مذاکرات را کافی میدانند ؟

(گفته شد . بلی)

رئیس - پیشنهادها قرائت می شود .

(بشرح آتی خوانده شد)

بنده پیشنهاد میکنم در اول ماده ۸ کله عوائد مبدل شود به قیمت " کیخسرو "

بنده پیشنهاد میکنم ماده هشتم اینطور اصلاح شود ماده هشتم - وجوه حاصله از فروش خالصات فقط بر سرمایه دولتی که بموجب قانون جداگانه تأسیس می شود اضافه خواهد شد .

پیشنهاد میکنم در ماده ۸ اصلاح عبارتی ذیل بعمل آید .

عوائد حاصله از فروش خالصات مصرف سرمایه بانک ملی ایران که بموجب قانون مصوب اردی بهشت

۱۳۰۶ تأسیس میشود خواهد رسید . دکتر ظاهری بنده پیشنهاد میکنم در ماده ۸ عوض بانک دولتی

نوشته شود . بانک فلاحی " بدالله دهستانی "

بنده پیشنهاد میکنم در ماده ۸ عوض بانک دولتی نوشته شود . (بانک فلاحی و بانک دولتی) .

" سهراب ساکینیان "

ماده ۸ - را بطریق ذیل پیشنهاد میکند .

ماده هشتم - کلیه وجوه حاصله از فروش خالصات مصرف سرمایه بانک دولتی که بموجب قانون جداگانه تأسیس می شود خواهد رسید . " امیر تیمور "

ماده ۸ را بترتیب ذیل پیشنهاد می نماید . عوائد حاصله از فروش خالصات مصرف سرمایه بانک که بموجب قانون مصوبه چهاردهم اردیبهشت تأسیس میشود خواهد رسید " عدل "

پیشنهاد میکنم که ماده ۸ بقرار ذیل نوشته شود : تمام وجوه حاصله از فروش خالصات برای سرمایه بانک دولتی که موافق قانون مصوب تأسیس خواهد شد تخصیص داده خواهد شد " کازرونی "

رئیس - ماده نهم

(بشرح ذیل قرائت شد)

هرگاه یکی از طلبکاران مسلم دولت که از اتباع

ایران میباشد در صدد خریداری یکی از املاک خالصه

بر آید دولت اعتباری معادل مبلغی که بر طبق قانون

مصوب ۲۱ بهمن ۱۳۰۴ در وجه او لازم التادیه باشد

بشار الیه اعطی خواهد نمود

تبصره - معادل مبلغی که در حساب دیون دولت

نابت قیمت خالصات محسوب می شود از خزانه دولت

بسرمايه بانک اضافه خواهد شد

رئیس - آقای آقا سید یعقوب

آقا سید یعقوب - هر قانونی که از مجلس میگذرد اول با

يك شوق و يك عقیده و حقیقه با يك عقیده صاف و صحیحی

از مجلس میگذرد بعد که آن قانون به اجرا میرود يك طوری اجرا

میشود که قانون گذار میگوید ، ایکاش من نبودم که

این قانون را بگذارم .

سال گذشته جماعتی بیچاره و بدبخت در مجلس متحصن

بودند و مجلس را به ستوه آوردند . دو سال تمام تحقیقات

میکردیم دیدیم يك طلبهائی دارند . آمدیم نشستیم و

برای حفظ حقوق آن بدبختان يك قانونی گذرانیدیم که

دولت وارد شود و طلب آنها را مرتب کند و بدهد

حالا آقایان را دعوت میکنم به کمیسیون بودجه به بینند

نظر قانون گذارها در دادن دین دولت چیه بوده و

حالا به چه صورتی در آورده اند . تمام مأمورین مالیه

طلبکار شده اند ، تحصیلداران مالیه طلبکار شده اند و عموم

طلبکارها را ملاحظه فرمائید مأمورین مالیه اند .

بنده به آقای شیروانی که میخواهند مدافع باشند عرض میکنم

که اینجا نوشته است طلبکاران مسلم دولت ، خوب است

این عبارت را از این جا برداریم ، چرا ؟ برای اینکه

همین مسئله باعث سوء استفاده در موقع اجرا میشود

و همه ماها گرفتار خواهیم شد . این جا اگر ما بنویسیم

طلبکاران مسلم دولت پس فردا است که تحقیقات میکنند

و از توی کاغذ پاره ها قدری دفترها در میآید که

چه عرض کنم و این چهار تکه خالصه هم که داریم يك

کمیسیونی تشکیل میشود و این خالصاتی را که ما میخواهیم

بعد از همه بدبختیها سرمایه برای بانک قرار دهیم و

با يك ترتیبی این مؤسسه را تأسیس نمائیم ضم میکنیم

بمأمورین مالیه . (صحیح است) این است که بنده

حقیقه (چون آدم مارگریده از بند سیاه سفید میترسد)

عرض میکنم که با این ماده مخالفم . اگر کسی از دولت

طلب دارد عدلیه مرتب است برود در عدلیه ، مدعی العموم

است ، عرض حال بدهد و نابت کند و دین دولت را از آن

محل که معین شده است بدهند . اگر ما بیائیم

خالصه را محل دین دولت قرار دهیم یا خزانه را محل

دین قرار دهیم و وزارت مالیه را هم قاضی نمائیم که

قضاوت کند امناء مالیه را طلبکار قرار خواهد داد

نه آن بدبخت هائی را که اینجا متحصن بودند ، چون

آن قانون گذشته است امیدوارم این عرایض صادقانه

بنده در نمایندکان اثر بکند و پیشنهاد کنیم عجاله آن

قانون را ملغی نمائیم و عدلیه هست هر کسی از دولت

طلب دارد میرود به عدلیه که مرجع تظلمات عمومی

است ، آنجا عرض میشود و از خزانه دولت طلب او

را میدهند . و الا وزارت مالیه را قاضی قرار دهیم و

قضاوت کند نتیجه اش این میشود که الان شده است

و بعد آقایان بروند در کمیسیون به بینند .

مخبر - همانطور که نماینده محترم فرمودند در نتیجه

سوء اجرای يك قوانینی يك عیبهای پیدا میشود و بالاخره

ما گاهی جنبه افراط و تفریط را می گیریم . بنده

تصدیق می کنم این عیبهای با که نماینده محترم راجع

به آن قانون فرمودند ولی این در نتیجه سوء اجراء

است برای اینکه آوردند جابجای چشم خودمان و دیدیم

که میخواهند چه بکنند ، ولی این مسئله این نخواهد

شد که بکند طلبکاران حقیقی دولت که پول داده اند

جنس داده اند همیشه رفته ست از طلب خود محروم

شوند . لایحه که اخیراً به مجلس آورده اند و به کمیسیون

بودجه ارجاع شده است که تقریباً صد و بیست سی هزار

تومان باشد بنده اطلاع دارم که در آن اقلای هست

که صاحب طلب خودش اطلاع ندارد . دیروز مخصوصاً

يك شخصی آمده بود منزل من به او گفتم که من

اسم شما را در آن لایحه دیدم تعجب کرد و معلوم

شد که يك شخص دیگری قبض او را خریده است و

بعد که تحقیق کردم تومان ده شاهی و یکقران قبض

خود را فروخته بود . باین ترتیب این صورتی را که

آورده اند اداره محاسبات مرتب کرده است و صورت يك

لایحه صد و بیست هزار تومانی داده و آورده است به مجلس و

شاید از این صد و بیست هزار تومان صد هزار تومانش توی همان

اداره محاسبات فروه برود . ولی در عین حال خودشان فرمودند

که بکند طلبکار مسلم هم دولت دارد مثلاً بکنفری که

جزء آن متحصنین بوده است میگوید من جواهر

خریدم برای شاه سابق و جواهرات من عیناً از آن

زرگری که خریده ام معین است و معین است که در فلان

نقطه خزانه گذاشته شده است، آن زرگر هم بابت قیمة همین جواهر رفته است عدلیه و شکایت کرده و ملک مرا در مقابل پول جواهر برده است، این جریان این کار، این هم حکم عدلیه بعد وزارت مالیه در جواب ادعای او مینویسد: (چنانچه بنده اطلاع پیدا کردم) که این قبیل طلب های مشکوک را نمیشود داد و بفوریت اظهار عقیده کرد باید در این باب بکفتری مطالعه کرد و مستوفیها مشورت کرد تا معلوم شود. آنوقت در این لایحه يك قلمی را دیده که نوشته است چند هزار تومان طلب مستأجر خلاصه فشافویه، بنده تعجب کرده که مستأجر باید بدهکار دولت باشد. آیا زیادی داده است آیا در دنیا هیچ مستأجری پیدا میشود که علاوه بر مال لاجاره يك چیزی هم ضافه بدهد؟! چندین قلم اینطور در این لایحه که آورده اند هست، ولی چندین قلم هم هست که حقاً از دولت طلبکارند. مثلاً فلان سمسار بازار رفته است مقداری پارچه به اداره ژاندارمری فرخته است و هفتصد هشتصد تومان طلبکار است. این را البته باید طلبش را داد و سایر کسانی که طلب حقیقی و مسلم دارند باید طلبشان داده شود. و اگر عقیده شخصی بنده را بخواهید باید برای اعتبار دولت منافع طلب آنها را هم بدهیم. وقتی که از این مرحله گذشتیم باید بفهمیم مستخدمینی که طلب دارند آیا طلبشان حق است و خدمات مشعشعی کرده اند و این طلبی که دارند واقعاً يك همچو صورتی را دارد و قتی که معلوم شد باید طلب آنها را هم بدهیم. پس اینکه عیفرمایند ما آن قانون را لغو کنیم، صلاح نیست. باید آن قانون به قوه خودش باقی باشد و آن دویست و ده هزار تومانی که به دولت اعتبار دادیم به نحو مخصوص است نه اینکه يك عده را بدهد و عده را ندهد. اما اینکه فرمودند که ما این ماده را برداریم، بنده در این ماده ضرری نمی بینم بخصوص وقتی که آن جمله را که در کمیسیون ضمیمه کردیم در نظر گرفته شود و آن

این است که معادل آن طلبی که از طلب طلب کاران دولت کسر میکنیم باید از خزانه دولت بسرمایه بانک ضافه کنیم، اگر يك طلبکار مسلم دولت یعنی آن کسی را که بالاخره بنده و شما تصویب می کنیم که طلبکار مسلم است بتوانیم يك ملک خلاصه را در مقابل طلبش بنده بدهیم ضرری برای مملکت ندارد بلکه برای آن ملک خلاصه نفع دارد و معادل همین پول از خزانه دولت بسرمایه بانک افزوده میشود و هیچ ضرری هم ندارد. بنده عقیده ام این است که ما هیچوقت جنبه افراط و تفریط را نه بیناییم یعنی بدهی خودمان را بدهیم و این یوطای هجوی هم که میخواهند

مثل آن لایحه از ما بگیرند بدهیم

رئیس - آقای باستانی

باستانی - بنده موافقم

رئیس - آقای بامداد

بامداد - بنده موافقم

رئیس - آقای حاج رضا

حاج آقا رضا رفیع - بنده هم تعقیب میکنم فرمایشات نمیندیده محتره را باینکه اگر ما بخواهیم باشخاصی که طلبکار دولت هستند ملک بدهیم عقیده بنده این است که هیچوقت برای بانک سرمایه جمع نخواهد شد و بالاخره همان معاملاتی که ما شخصاً با مردم داریم بانک هم مثل سایر افراد مردم است اگر قرض داریم باید بدهیم ملک هم باید سر جای خودش باقی بماند برای اینکه اگر بنا باشد که این اسم رویش گذاشته شود هیچوقت بانک تشکیل نمیشود و املاک خلاصه بین آقایان طلبکارها تقسیم میشود با آن صورتی که ما در کمیسیون دیدیم که آقای شبروانی بین صد قلم چند قلم پیدا کردند که جزء طلبکاران حقیقی دولت بودند و باقیش يك چیزهایی است که ما نمیتوانیم قبول کنیم بنده گمان میکنم که هر يك از طلبکاران دولت باید محاکم صالحه رجوع کنند اگر طلب ایشان ثابت شد البته

باید پولشان را بدهیم ولی اگر بنده مقروض کسی باشم و پول داشته باشم و ندم آنوقت بنده هم ملک بفروشم و دین خود را بدهم این غلط است این مالک را که ما میخواهیم بفروشیم برای تهیه سرمایه بانک است و لااگر چنانچه بنا باشد بین طلبکار های دولت تقسیم کنیم هیچ فایده ندارد و برای بانک هم سرمایه تهیه نمیشود

رئیس - آقای باستانی

باستانی - بنده گمان میکنم که آقایان در این مسئله اختلاف نظری نداشته باشند که مجلس شورای ملی و دولت های وقت بایستی اهمیت کنند که امضای دولت معتبر باشد و این مسئله برای مملکت ایران و اعتبارات دولت ایران فوق العاده اهمیت دارد و متأسفانه قبل از ورود مسیون امریکائی به این مملکت جریان امور مالیه مملکت ما چندان منظم و مرتب نبود و يك نوشته جت و اسنادی در دست مردم و ملت ایران باقی ماند و قضایای را هم که بعضی از آقایان میفرمایند که بروند در عدلیه بنده چندین مفید نمیدانم زیرا اگر وزارت مالیه تصدیق کرد دیگر به يك بیچاره نمیشود گفت که مدعی علیه تو مقرر است به اینکه تو طلبکار هستی ولی برو عرض شو این خوب ترتیبی نیست و باید وزارت مالیه ترتیب نادیده این را بدهد و قضایای عدلیه وقتی لزوم پیدا میکند که وزارت مالیه کاملاً منکر باشد اگر به قانونی که ما در دوره پنجم تصویب کردیم مراجعه بفرمائید در آنجا قید شده است. طلب های مسلم که صورت ریز آن بمجلس تقدیم میشود و تصویب میشود يك صورت صد و بیست هزار تومانی به اسامی اشخاص مختلف آورده اند در کمیسیون بودجه. این البته باید رسیدگی بشود و به بینیم که واقعاً آنها طلبکارند یا نه؟ و این تصدیقی که وزارت مالیه کرده است صحیح است یا قابل تردید است. در هر حال اگر وزارت مالیه تصدیق بدهد که فلان شخص از دولت طلبکار است (و همانطور که آقای شبروانی فرمودند ممکن است زندگانی آن شخص

در اثر این طلب از دست رفته باشد) باید سعی کرد و اهتمام کرد که زودتر به طلب خودش برسد. و این ماده هم منافی با اینکه باید وجوه حاصله که در قبیل این معامله حاصل میشود بمصرف بانک برسد نیست گویا آقایان دقت نفرمودند در این ماده نوشته شده است خزانه که بده کار است به اشخاص و طلبکاران مسلم دولت پول میدهد به بانک بابت سرمایه که ز فروش خلاصه بدست می آید فرض فرمائید بنده هزار تومان از دولت طلبکار هستم يك چیزی که قیمتش هزار تومان است در مقابل این طلب بدهنده میدهد آنوقت خزانه هزار تومان میدهد به بانک و بانک حساب میکند و هیچ تفاوتی ز این حیث حاصل نمیشود. بالاخره يك شخصی از دولت طلب دارند و دولت هم بده کار است يك املاکی را میدهند دستشان آنها هم میروند بی کارشان از آنطرف هم خزانه سرمایه بانک را میپردازد و این هیچ منافاتی با مقصود آقایان ندارد.

جمعی از نمایندگان - مذاکرات کافی است

کازرونی - بنده با کفایت مذاکرات مخالفم

رئیس - بفرمائید

کازرونی - بنده عقیده ام اینست که این ماده فوق العاده مهم است و چنانچه بهمین حالت باقی بماند همان طور که آقای شبروانی فرمودند يك طوری حیف و میل میشود که ما بمقصود نرسیم در هر صورت نظر باینکه دلالتی هست که بودن این ماده در اینجا لزومی ندارد باید نظریات آقایان در این ماده اظهار شود و مطلب مکشوف گردد که برای شور نانی اصلاح بعمل آمده باشد از این جهت بنده مذاکرات را کافی نمیدانم

رئیس - چون عده بری رأی گرفتن کافی نیست

طبعاً مذاکرات باید ادامه پیدا کند. آقای بامداد

بامداد - موافقم

رئیس - آقای حقنویس

حقوقیس - بنده هم موافقم

رئیس - آقای مدرس

مدرس - مخالفت بنده بر خلاف همه آقایان با آن جزء اخیر ماده است که میگوید: طلب مردم را بر طبق آن قانون مصوب سابق بدهیم. و الا طلبکاری یعنی طلبکار مسلم. موضوع مسئله این است که طلبکار و رقی که طلبش مسلم شد باید پول بهش داد. حالا پول بهش بدهیم یا ملک بهش بدهیم و پولش را بگذاریم توی بانک این را حکمیت بفرمائید. طلبکار مسلم یعنی طلبکاری که باید پول بهش داد. ما میگوییم معادل طلبش ملک بهش بدهید و پولش را بگذارید در بانک آقایان میفرمایند روانه نش کنید عدلیه که بقیامت آید چیزی گیرش بیاید یا نه بعقیده من طلبکار مسلم را ما نباید مسامحه کنیم مخالفت بنده بر جزء اخیر قانون است و پیشنهادی هم کردم. چرا پول طلبکار داخله مان را بر طبق قانونی که گذشت و بنده مخالفت کرده بیست ساله بدهیم ولی طلبکار خارجه را بریزوز بود که در مجلس عجله تصویب شد و چهار صد هزار تومان پول بهش دادیم. طلبکار را باید از نقد مال بهش داد آخر ما يك قانونی هم داریم حالا اعتبار دولت بجای خودش بعقیده من هر طلبکار مسلمی را معادل طلبش باید ملک بهش داد و پولش را گذاشت توی بانک بنده با آن قید مخالف هستم که بیست ساله بهش بدهیم چنانچه آن طلبکار دولت ملک بخواد باید دفعه بقدر طلب او ملک باو بدهیم و وجه آن را بتدریج در بانک بگذاریم نه اینکه ملک را بتدریج بدهیم.

مخبر - عرض میکنم این ماده و آن قانونی که از مجلس گذشته اگر با هم تطبیق کنیم نظریه آقای مدرس نامین خواهد شد برای اینکه ما مبالغی دیون داخلی داریم که این با سالی دو بیست و ده هزار تومان نامین نمیشود در قانون مصرح است که ما بیش از دو بیست و ده هزار تومان در سال نمیتوانیم به طلبکار بدهیم.....

مدرس - نسخ کنید آن را

طلبکار را که لازم نیست ملک بهش بدهند پولش را بدهند خودش میداند میخواهد ملک میخورد نمیخواهد نمیخورد چرا شما او را مجبور میکنید که در مقابل طلبش حتماً باید ملک بردارد. باین ملاحظه بنده مخالفم.

رئیس - آقای بامداد

بامداد - آقای فیروز آبادی و سایر آقایان مخالف با اینکه باید طلب را داد نیستند فقط صحبت در طرز اجراء است در تمام قوانینی که ما از مجلس می گذرانیم این اختلاف هست ماده می گوید طلبکار دولت را باید جواب داد البته بقول آقای مدرس باید از نقد وجوه داد حالا ماده می گوید ملک بهش بدهید خوب این بصره دولت است شما می فرمائید املاک خالصه پولش بتدریج به بانک برسد و نه طلبکارها نقداً پول بدهیم شما صرفه

بعضی از نمایندگان - مذاکرات کافی است

رئیس - چون عده برای مذاکره هم کافی نیست لهذا چند دقیقه تنفس داده میشود

(در این موقع جلسه برای تنفس تعطیل و دیگر تشکیل نگردید)

رئیس - آقای دهستانی

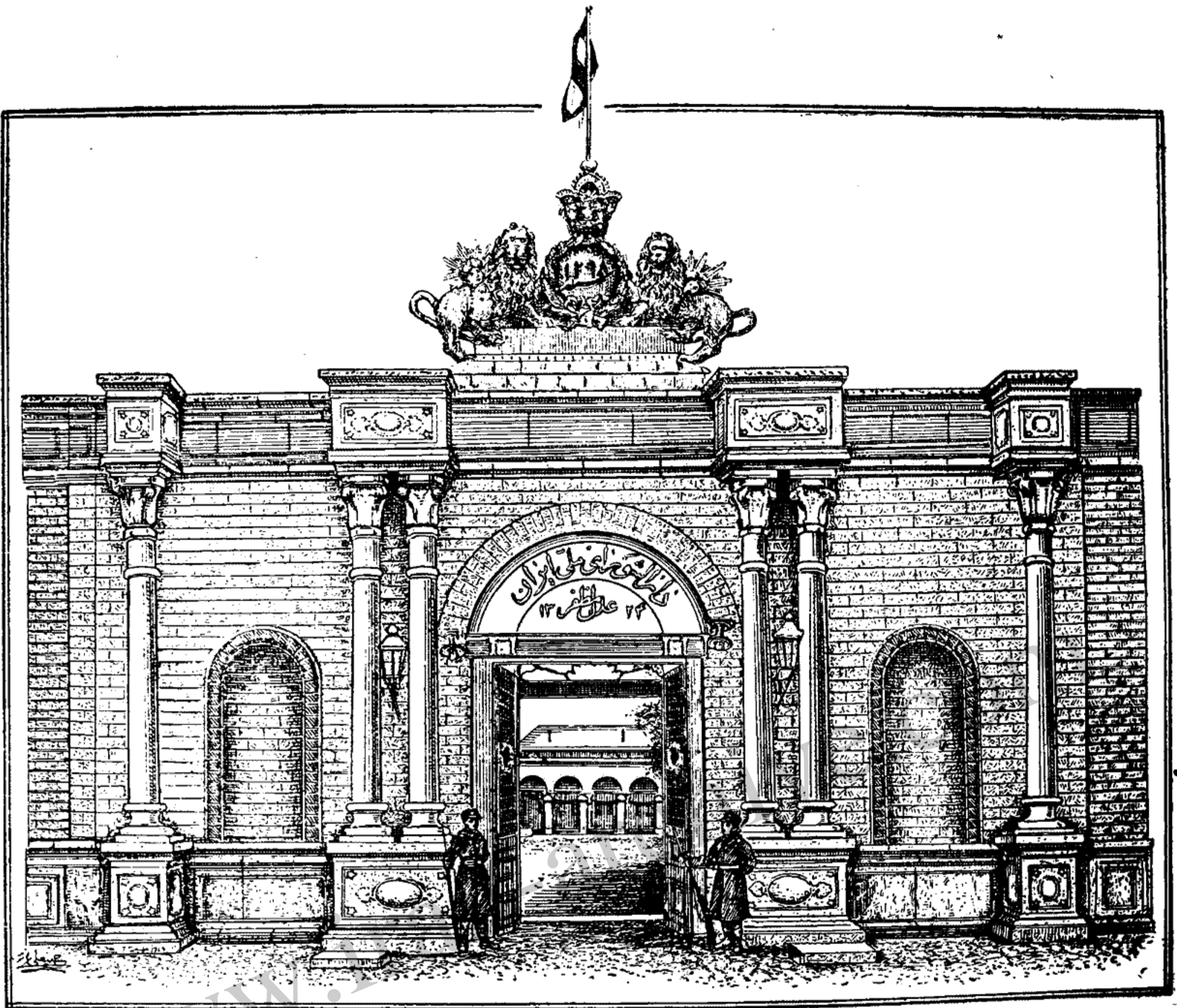
میرزا بدالله خان (دهستانی) - بنده موافقم

رئیس - آقای عدل

عدل - موافقم

رئیس - آقای فیروز آبادی

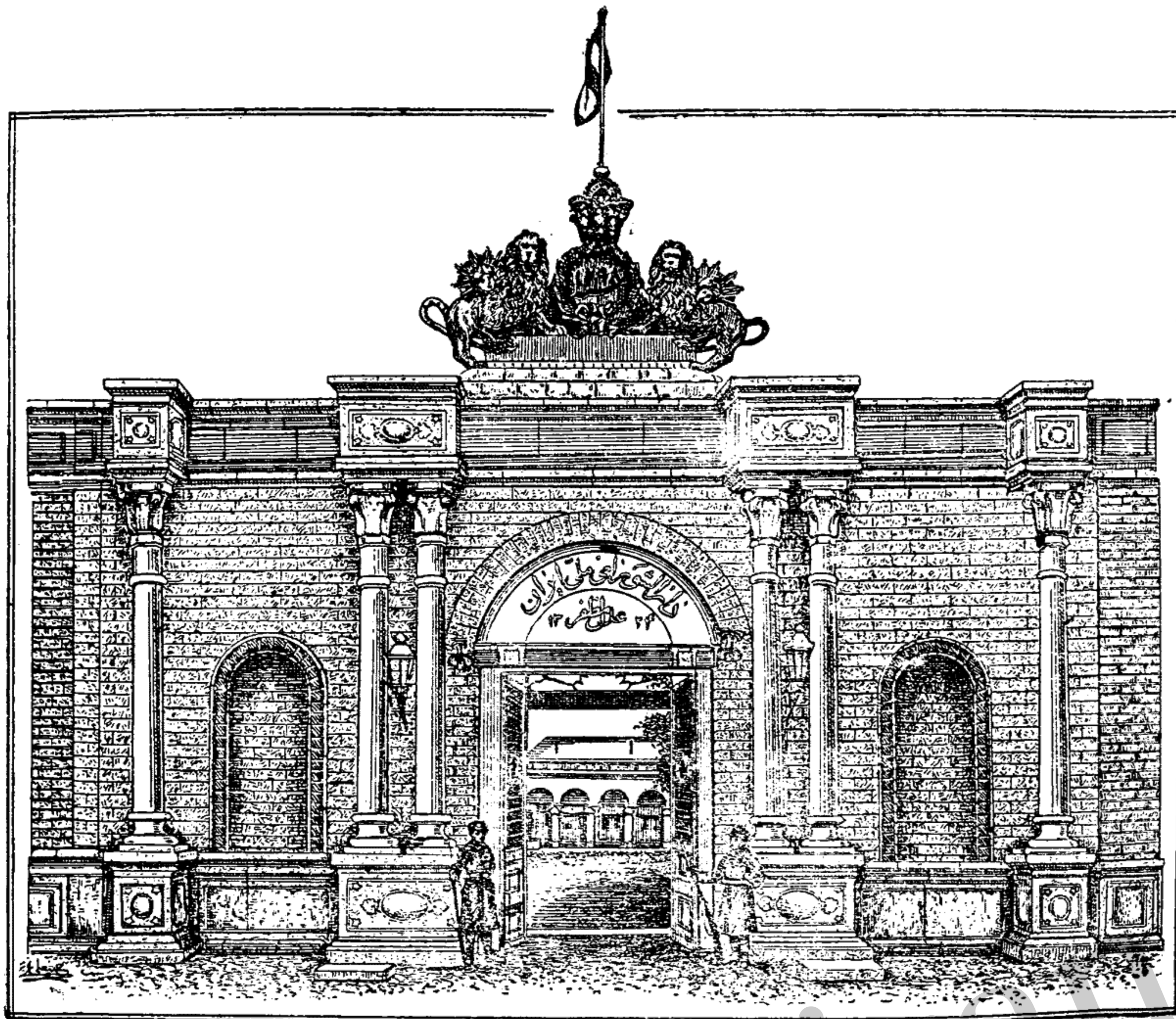
فیروز آبادی - بنده هم همانطور که آقای مدرس فرمودند عقیده ام این است که هر کس طلب مسلم دارد باید طلبش را داد و هیچکس هم مخالف این مسئله نیست اما متأسفانه نمیدانم کی تعیین میکنند که این طب مسلم است و اگر چنانچه باین ترتیب اختیار داده شود گمان نمیکم ماه فوق بداشتن بانک بشویم خالصجات هم از بین می رود هزار فقره طلب مسلم را در عرض پنج روز میشود معین کرد و این محل زد و برد نیست خوبست ما طلب های مسلم را بهمان ترتیب قانونی خودش بدهیم و وجه خالصه را هم بمصرف خودش برسانیم که هم بانک ازین نرفته باشد و هم خالصجات بمصرف فروش رسیده باشد حالا



دوره ششم تقنینیه

<p>جلسه ۱۱۳</p>	<h1>مذاکرات مجلس</h1>	<p>شماره ۷۸</p>
<p>تاریخ تأسیس آذر ۱۳۰۵ جلسه پنجشنبه ۱۱ خرداد ماه ۱۳۰۶ مطابق ۲ ذیحجه ۱۳۴۵</p>	<p>مندرجات فقط شامل مذاکرات مشروح جلسات مجلس شورای ملی خواهد بود پس از ختم هر جلسه کلیه مذاکرات در یک شماره منتشر میشود. مطبعة مجلس</p>	<p>قیمه اشتراك داخله ایران سالیانه ده تومان خارج « دوازده تومان قیمه تک شماره یک قران</p>

فهرست مندرجات



مذاکرات مجلس دوره ششم تقنینیه

صورت مشروح مجلس پنج شنبه ۱۱ خرداد ماه ۱۳۰۶ مطابق ۲ ذیحجه ۱۳۴۵

جلسه ۱۱۳

(مجلس دو ساعت و سه ربع قبل از ظهر بریاست آقای
پیرنیا تشکیل گردید)
(صورت مجلس سه شنبه ۹م خرداد را آقای
بنی سلیمان قرائت نمودند)

غائبین با اجازه جلسه قبل
آقایان: عمادی - میرزا حسنخان اسفندیاری - نظامی
سید ابراهیم ضیاء - حشمتی - حیدری مکری - نوبخت - فرشی
میرزا حسنخان ونوق - زعیم - سلطان ابراهیم خان افخمی

ردیف	عنوان	از صفحه	الی صفحه
۱	مذاکره در اطراف خبر کمیسیون مبتکرات راجع به عفو مستخدمین دولتی و خروج آن از دستور	۱۵۶۲	۱۵۶۵
۲	معرفی آقایان وزراء از طرف آقای مهدبقلی خان هدایت رئیس الوزراء	۱۵۶۵	
۳	قرائت خبر شعبه اول راجع بانتخابات استرآباد و نمایندگی آقای معتضد استرآبادی و مخالفت آقای زوار	۱۵۶۶	
۴	قرائت خبر کمیسیون مبتکرات راجع طرح قانونی در موضوع تاسیس مدرسه شبانه روزی و ارجاع آن به کمیسیون بودجه	۱۵۶۷	
۵	بقیه شور اول خبر کمیسیون بودجه راجع بفروش خالصجات و خانه شور اول و تصویب ورود در شور ثانی لایحه مزبور	۱۵۶۷	۱۵۷۸

غائبین بی اجازه جلسه قبل

آقایان: علی خان اعظمی - دکتر صدق - حاج حسن آقا ملک

در آمدگان با اجازه

آقایان: اعتبار - عرفی - جلائی - مرتضی قلیخن بیات - امام جمعه شیراز - حاج عبدالله زوار - میرزا محمد تقی بهار - میرزا یوسف خان عدل - محمود رضا

در آمدگان بی اجازه جلسه قبل

آقایان: بهراخان - فهیمی - شریعت زاده - بهبهانی محمد ولی میرزا - میرزا احمد خان بدر

رئیس - آقای بهبهانی

بهبهانی - بنده را در صورت مجلس غائب بی اجازه نوشته بودند در صورتی که بواسطه درد چشم و مراجعه به طبیب نتوانستم حاضر شوم و استعجازه هم کرده بودم

رئیس - به کمیسیون مراجعه و اصلاح میشود. آقای دهستان

میرزا بدالله خان (دهستانی) - در جلسه قبل بنده عرض کردم رئیس مالیه طهران مداخله در امور سیاست میکند و علاوه برخلاف قانون هم در امور مالیه دخالت میکند. استدعا می کنم این قسمت آخر را هم علاوه فرمایند.

رئیس - آقای آقا سید یعقوب

آقا سید یعقوب - بنده در صورت مجلس ایرادی ندارم بقرائت آن ایراد دارم مالیات را بتشدید نتوانند (مالیات) نیست. مالیات است.

رئیس - صورت مجلس ایرادی ندارد؟

(گفته شد خبر)

رئیس - صورت مجلس تصویب شد.

بعضی از نمایندگان - دستور

رئیس - راجع بدستور دو فقره پیشنهاد رسیده است یکی از طرف آقای فرهمند است که قرائت میشود و دیگری مال آقای محمد ولی میرزا است.

(بشرح ذیل خوانده شد)

بنده پیشنهاد میکنم پیشنهاد آقایان نمایندگان راجع به عفو مستخدمین در اول دستور امروز گذارده شود.

رئیس - آقای فرهمند

فرهمند - بنده محتاج به توضیح نمی دانم چندین جلسه در اینموضوع مذاکره شده و تصمیم قطعی گرفته نشده مستخدمین هم هر روز در زحمت هستند و اگر جرائد را هم ملاحظه فرمائید هر روز آنها را به محاکمه می کشند و بنده از وضعیت چند نفر از آنها مطلع هستم که فوق العاده پریشان هستند و اگر با آنها مساعدتی نشود بالاخره بنده گمان می کنم وضعیتشان خیلی سختتر بشود و ازین برونند. این بود که بنده پیشنهاد کردم این مسئله جزء دستور شود و تکلیفش معلوم شود که پیش از این در زحمت نباشند.

رئیس - آقای امیر حسینخان

امیر حسینخان (ابلیخان) - بنده عقیده دارم همان دستوری که داشتیم (یعنی فروش خالصجات) خیلی مهمتر است. يك لایحه باین مهمی که تقریباً آماده هم آن صحبت شده است و پیشنهادهای هم شده است چیزی مانده است شور اول آن تمام شود. بنده معتقد نیستم که از دستور خارج شود و يك چیزی که اصلاً مربوط به ما نیست مطرح شود. بنده معتقدم که اگر از روی عاطفه هم باشد مجلس باید اجزاء ادارات را که این اقدامات را کرده اند به بخشد و درش از این به این جزئیات اهمیت ندهد ولی باینکه لایحه فروش خالصجات از دستور خارج شود و این مسئله که چندین هم مهم نیست بجای آن گذارده شود مخالفم.

رئیس - رأی میگیریم به پیشنهاد آقای فرهمند آقایانیکه

موافقت قیام فرمایند

(اغلب نمایندگان قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد. خبر کمیسیون بهتکرات قرائت می شود.

(بمضمون ذیل خوانده شد)

کمیسیون بهتکرات طرح پیشنهادی آقای روحی و جمعی از نمایندگان محترم را تحت مذاکره قرار داده از آنجائیکه نظریه نمایندگان محترم انحصار و صرف نظر کردن از جنبه شخصی و خصوصی بوده است طرح پیشنهادی فوقرا قابل توجه دانسته و تصویب آنرا از مجلس شورای ملی تقاضا مینماید.

رئیس - آقای دشتی

دشتی - اشخاصیکه باین لایحه مخالفت دارند نه از این لحاظ است که مستخدمین را عفو نکنند بلکه از این لحاظ است که این اشخاص را مجلس شورای ملی می شناسد و مربوط به قوه مجریه است و دولت هم از نقطه نظر احترام مجلس يك عملیات کرده و ما ابتدا به دولت تعرضی نداریم. اینکه دولت بد کرده مستخدمین جزء را به نظمی برده با آن کسانی که مسبب بوده اند آنها را به نظمی جلب کرده اند اینها مربوط به ما نیست. ما اصلاً حق نداریم داخل این قسمتها بشویم. مستخدمین اگر خوب کرده باشند باید کرده باشند مربوط به قوه قضائی مملکت است. مجلس شورای ملی يك اعتراضی داشت و آن هم نسبت به رویه دولت بود که چرا دولت چنین کرده است. و الا ما از ابتدا هیچ اعتراضی به مستخدمین نداشتیم و اقامه دعوی هم نکرده بودیم که حالا آنها را عفو کنیم. علاوه اینجا به شرافت مستخدمین هم بر می خورد و بنده بعضی از آنها را دیدم که خیلی عصبان بودند و میگفتند ما کاری نکرده ایم که میخواهید ما را عفو کنید و بالاخره بعضی ها که مرتکب این کار شده اند

باید شدیداً تعقیب و مجازات بشوند. به اجزاء و عضاء جزء ادارات هیچوقت ظرفیت نداریم و آنها را هم هیچ مقصرت میدانیم و میدانیم که اگر مدر کل يك وزارتخانه ضایع نداشته باشد و اجازه ندهد ممکن نیست اجزاء جزء آن وزارتخانه بیایند اینجا و این اقدامات را بکنند. قطعاً محرکین آنها رؤسای درجه اول آنها هستند و بلکه در درجه اول دولت طرف ما است و ما بدولت باید طرف بشیم مستخدمین در مقابل دولت مسؤلمند همه اینها از وظیفه ما خارج است حالا از آقایان محض جلب خاطر مستخدمین بخواهند این لایحه را تعقیب نکنند بنده عرضی ندارم.

رئیس - آقای زوار

زوار - عرضی ندارم.

رئیس - آقای کازرونی

محمد ولی میرزا (مخبر) - اجازه میفرمائید آقا؟

رئیس - بگذارید آقا بلند شده اند حرفشان را بزنند بعد بفرمائید.

کازرونی - البته بنده منکر فرمایشات اصولی نماینده محترم نیستم لکن بکفدري دقیقاً وارد قضیه بشویم يك قضیه پیش آمد که مستخدمین برای عرضحال خود بنا شد بیایند به مجلس و شکایت کنند یا متظلم شوند یا ملتجی شوند. از آنجا که جماعت انبوه فاقد شعور و عقل است همینکه جمعیت عددهاش زیاد شد اداره کردنش يك کار سهل و آسانی نیست. يك صداهائی از بعضی افراد بلند شد البته در يك همچو جماعتی تشخیص این که این صداها از کیست و از چه نوع افرادی است کار آسانی نیست و بالاخره اگر چنانچه بمجرد اینکه اینها مجتمع شدند و صداهائی دادند ما قائل شویم باین که آنها را باید تعقیب کرد بعقیده بنده بستی تمام اشخاصی که اینجا حضور داشتند بگیرند و تعقیب کنند در صورتیکه اینطور نیست. این اولاً غیر عملی است و ثانیاً نباید يك چنین کاری بشود. اصلاً این قضیه اهمیتی نداشته. چیزی نبوده.

تعرضی به کسی نشده . کسی جنایت مرتکب نشده . یکی دو سه نفر را هم که گرفته اند بنده اطلاع کاملی دارم . يك نظریات خصوصی اسباب گرفتاری آنها شده که بنده نسبت به یکی از آنها از روی يك نظریات يك حسن عاطفه دارم خود را هم در این حسن عاطفه ملزم می دانم . در هر صورت يك اصل مسلم دیگری هم هست طرف با اینها مجلس شورای ملی است یعنی میگویند اینها آمده اند در مجلس شورای ملی يك حرفهایی زده اند که وظیفه شان نبوده است در صورتیکه این رویه که در نتیجه از حاکم يك جمعی اتفاق افتاده به مقتضای لو ترك ترك با لوزك ترك (هر کدام را بگیرد) ابدأ این قضیه قابل تعقیب نیست و در هر صورت ملاحظه فرمائید يك عده مستخدمه ضعیف یا غیر ضعیف اگر بنا باشد ما بخواهیم اینها را در معرض تعقیب قرار بدهیم این صلاح مجلس نیست صلاح مملکت هم نیست و بنده نظر باطلاعی که دارم استدعا میکنم بعضی نظریات خصوصی را هم کنار بگذاریم .

محمد ولی میرزا (مخبر کیمسیون مبتکران) - بنده توضیحاتی که میخواستم عرض کنم در جواب نماینده محترم آقای دشتی بود و بعقیده بنده موافقت آقای کارزونی صورت دیگری باین قضیه داد . بنده معتقد باین بودم آقای دشتی هم خودشان بطور صریح فرمودند که مقصود نمایندگی و بطور اجماع مقام مجلس شورای ملی مافوق و خیلی بالاتر از این است که يك نظر سوئی نسبت بجمع مستخدمین خودش داشته باشد و در صورتیکه این نظر محرز باشد هیچ محتاج باین اظهارات آقای کارزونی نبود . اینها مصدر يك خبط و اشتباهی شدند که هیچ درس تردیدی نیست ما حق اعتصاب برای مستخدمین خود مان هر گز قائل نبودیم و نشدیم . در هیچ قانونی هم نیست . فقط چیزی که هست اینها مثل افراد ناس در موارد خود میتوانند تظلمانی به مجلس شورای ملی بیایند ولی البته صورت

تظلمات غیر از صورتی است که ما دیدیم و آن صورت غیر از ترتیبی است که متداولاً اهالی مملکت میکنند . تصدیق این قضیه و با در نظر گرفتن اینکه مقام مجلس شورای ملی مافوق این است که نسبت به مستخدمین خودش کل یا جزء نظری داشته باشد يك قضیه صورت گرفته است و ظاهر کار هم يك طوری شده است و چند نفر هم از طرف پارک و عدلیه در تحت تعقیب در آمده اند . در این موضوع هم بطوری که ملاحظه فرموده اند کلیه نظریه نمایندگان این بوده است که از نقطه نظر شخصی و جنبه خصوصی اگر يك چیزی هم شده است صرف نظر و اغماض فرمائید و از این نظر است که بنده مدافعه میکنم و رگام نمیکم کسی هم اصلاً مخالف باشد . چنانکه خود آقای دشتی هم در فرمایشاتشان اظهار مخالفی در این خصوص نکردند و اگر از این جنبه امروز چند نفری را تعقیب میکنند مجلس تذکر میدهد بدولت که از جنبه شخصی و خصوصی اغماض و گذشت کرده و مذاکرات دیگری را هم در اطراف این قضیه شایسته مجلس نمیدانم .

رئیس - آقای نامداد
 نامداد - بنده در موقعی که این طرح پیشنهاد میشد امضا کردم ولی وزیرای آنوقت با احترام مجلس اقداماتی کرده و دسته دسته اعضاء ادارات را میبردند بدنظمیه و تقریباً شبیه بحران اداری میخواست ایجاد شود ولی حالا بکلی تمام تبرئه شده اند و کسی باقی نمانده الا دوسه نفر حتی مؤید المملکتی که ژانین برای دعوت اعضاء درست کرده بود برای تشکیل سندیکا و با مضای خود او بود او را هم محکمه تبرئه کرده و گفته چون مؤسس نبوده و مأمور بوده کاری به او نداریم . فقط دو سه نفر مانده که آنها تحت تعقیب هستند و عدلیه جریان قانونی را دارد تعقیب میکنند . حالا ما بیائیم اینجا دوکار بکنیم یکی اینکه قانون بگذاریم برای اینکه قانون اجرا نشود دیگر اینکه برای سه نفر ایجاد طرح قانونی بکنیم حقیقه مخالف عظمت مجلس است . اولاً عفو يك مجاری دارد .

دنيا همین آقایان نمایندگن محترم که اصرار دارند طرح قانونی بگذرد ممکن است از مقدم محترم ریاست تقاضا و استدعا فرمائید که خودشان بدولت بنویسند که آنها را تعقیب نکنند اما طرح قانونی در مجلس برای عفو سه نفر حقیقتاً مخالف وظیفه مجلس است

رئیس - آقای شیروانی پیشنهاد کرده اند که این طرح از دستور خارج شود . آقای شیروانی

شیروانی - در این موقع که دولت برای معرفی بمجلس آمده است و چند نفر از وزراء کابینه سابق در این کابینه تشریف دارند و میتوانند در این مسائل کاملاً توضیح بدهند و ما معرفی نشده اند نمیتوانیم در حرف بزنند و در این موقع مملکت که هزار کار در راه بگنفر مستررید را مجلس میخواهد تبرئه کند و کسی دیگری تعقیب نمیشود و مقصر نیست فقط مستر برید است و سه نفر ثابتند که برای مك برفع تقصیر مستررید در ردیف آنها انداخته اند آنها را هم ما نوشته ایم که ما طرف خصوصی نیستیم و فقط شخص او است که باین قضیه بوده است و من نمیدانم ما به چه عنوان اینرا مطرح کنیم ؟ بنده پیشنهاد کردم که از دستور خارج شود و در خارج با مقصود ریاست مذاکره بکنیم که اصلاً ما این طرح را در تحت چه عنوان میتوانیم مطرح کنیم آنوقت به مجلس بیآوریم

رئیس - آقای عراقی
 عراقی - بنده اصلاً هم با خروج از دستور مخالفه و هم با این صورتش . يك قضیه واقع شده است . اگر عنوان مجلس را بخواهیم داخل بکنیم که مجلس دخالتی در قوه مجریه ندارد . وظیفه دولت این است که هر کس را مقصر میدانند تعقیب کند . مجازات هم بکند . اشخاصی را هم که خود مان اینجا دیدیم عباراتی هم که گفتند نمیتوانیم بگوئیم اینها مقصر نیستند . يك کاری است که واقع شده دولت هم امروز آمده معرفی میشود البته قضایا را مطابق آن ترتیبی که خود مان دیدیم

تعقیب میکنند آنچه را که در ارجح به شخصی است عرض کرده آنچه به شخص بنده رجوع است بنده عفو کرده ولی اگر موضوع توهین به مجلس شده نمیتوانیم عفو کنیم . اصلاً چطور ما میتوانیم این قضیه را عفو کنیم که يك عده بیایند توی پارلمان و يك کارهایی که مخالف قواعد شروطیت و مخالف با احترامات پارلمان است بکنند . در سه نفر و هر چند نفری را که مستنطق تحقیقات خودشان کرده است معلوم شده که مقصرند بنده مجازات شونده هر کدام هم که مقصر نبوده اند اعم از اینکه ما عفو بکنیم یا عفو نکنیم عفو هستند . کسی هم عقب آنها نرفته از اینها کسی که گرفته شده اند فقط دو سه نشان معلوم شده که مقصرند بنده مجازات هم بشوند . اصلاً آمدن این طرح در مجلس چه دخالتش چه خروجش معنی ندارد که ما داخل در مذاکره اش بشویم .

رئیس - رأی بگیریم به پیشنهاد آقای شیروانی یعنی خروج از دستور آقایان . موافقت قیام فرمایند (اکثر بر خاستند)

رئیس - تصویب شد .
 رئیس الوزراء - در تعقیب رأی اعتماد مجلس شورای ملی بر حسب امر ملوکانه بنده حقیر مأمور تشکیل کابینه شده برای اینکه با آقایان مدنی خود همکاری بودم می شناختم میدانستم تعجیل هم در تشکیل کابینه با مقتضایاتی که هست لازم بود و باید زودتر کابینه معرفی شود ترتیبی داده شده است که بعرض می رسد . آقای انصاری وزیر امور خارجه که فعلاً مأمور هم هستند و در خارج مشغولند . آقای فیروز میرزا وزیر مالیه . آقای ندین وزیر علوم و معارف . آقای داور وزیر عدلیه . آقای اسعد وزیر جنگ . آقای سمیعی وزیر داخله خود بنده هم در خدمت فوائد عامه اهتمام خواهم کرد . پست و تلگراف را هم قریباً به عرض میرسانم مشی دولت یعنی خط مشی دولت هم در اطرافش می بایست يك جلسه گفتگو شود هنوز نشده است . انشاء الله آنها برای روز یکشنبه

بعرض وکلا خواهد رسید

رئیس -- آقای فیروز آبادی

فیروز آبادی -- بنده اولاً تبریک میگویم آقای رئیس الوزراء را که موفق شدیم بر دست وزرائی ایشان و همچنین فرد کابینه ایشان و امیدواریم بتوسط این شخص رئیس الوزراء و افراد کابینه ایشان در این مملکت موفق باصلاحات فوق العاده بشویم و ایشان موفق بشوند اولاً بترویج قوانین اسلامی که عقیده بنده ول ترقیت ما در تحت این قانون است اول سعادت ما در تحت این قانون است (نمایندگان -- صحیح است) آقایان هم که الحمدلله کاملاً میدانند که قوانین اسلامی مخالف باهیچ قسم ترقیات نیست . هر کس عقیده اش برخلاف این باشد شاید ملتفت از قوانین اسلامی نباشد و امیدوارم که در همان قانون تمام خرابیهای این مملکت اصلاح شود . تمام احتیاجات مملکت مرتفع شود و انشاءالله این کابینه هم نابتوانند خود داری کنند از اضافاتی که همه روزه باین مجلس میآید و دیگر این ملت را اینقدر از دولت دلتنگ نکنند و آن اضافات را بیک مصرف عام المنفعه رسانند که تمام افراد ملت از آن استفاده بکنند و خود آنها هم در ضمن افراد ملت استفاده بکنند . عقیده نداشته باشند که چهارصد نفر یا دوسه هزار نفر اجزاء ادراست استفاده بکنند اما می کرور نفوس ایرانی در فقر و فلاکت باشند و انشاءالله امیدوارم بعد که این تزییبات را که دیدم رأی اعتماد کامل بدهم .

رئیس -- خبر شعبه اول راجع بنایندة استراهاد حاضر است . آقای احتشام زاده

(احضار برای قرائت رایت)

(خبر شعبه اول راجع بنایندگی آقای معتضد استراهاد آقای احتشامزاده بشرح ذیل قرائت کردند)

در تاریخ ۱۱ اسفند ۱۳۰۴ حکومت استراهاد برطبق قانون انتخاب ۹ نفر اعضاء اصلی انجمن نظارت مرکزی

انتخابات و نه نفر اعضاء علی البدل اقدام نموده پس از انتشار اعلان و تعیین اوقات توزیع تعرفه و اخذ رأی شروع باانتخابات شده در شهر استراهاد و حوزه های فرعیه ۹۴۵۰ رأی اخذ و در تاریخ چهارم فروردین ۱۳۰۵ شروع بقرائت آراء گردیده و کلیه آراء حوزه ها جز آراء بندر جز قرائت شد نسبت بآراء بندر جز شکایاتی رسیده بود و پس از تحقیقات معلوم شد بدون اینکه رسماً مقررات حکومت نظامی در بندر جز ملغی شده باشد انتخابات به عمل آمده و سه روز علاوه بر مدتی که از طرف انجمن مرکزی تعیین شده اخذ رأی بعمل آمده است علیهذا انتخابات بندر جز ملغی و قرار تجدید آن داده شد و بملاحظه احضار حکومت استراهاد و ادامه حکومت نظامی در بندر جز تجدید انتخابات آنجا باسفند ۱۳۰۵ موکول شد و در تاریخ ۱۵ اسفند ۱۳۰۵ انتخابات بندر جز نیز خاتمه یافته و بر طبق مقررات قانون یک هفته برای قبول شکایات و یک هفته برای رسیدگی بشکایات تعیین گردید در موقع رسیدگی بشکایات معلوم شد آراء حوزه ملک با تطمیع تهیه شده است باین جهت انجمن نظارت مطابق ماده ۴۷ قانون انتخابات آراء حوزه ملک را بی اعتبار دانسته از مجموع آراء قرائت شده که صحت آنها را انجمن تصدیق نموده آقای معتضد استراهادی را با ۴۴۷۳ رأی بنایندگی استراهاد معرفی مینماید

شعبه اول درجلسات عدیده بدوسیة انتخابات استراهاد رسیدگی نموده بنایندگی آقای معتضد استراهادی را با اکثریت تصویب و اینک راپورت آن تقدیم میشود

رئیس -- آقای زوار

زوار -- مخالفم

رئیس -- آقای افسر

افسر -- بنده هم مخالف بودم چاپ شود تا جلسه بعد عرض کنم

رئیس -- خبر کمیسیون مبتکرات قرائت میشود

(بشرح ذیل قرائت شد)

کمیسیون مبتکرات طرح پیشنهادی آقای دکتر طاهری و جمعی از نمایندگان محترم را در تأسیس یک دب مدرسه متوسطه شبانه روزی تحت مذاقه قرار داده قابل توجه بودن آن را برای تصویب پیشنهاد مجلس شورای ملی می دارد .

رئیس -- آقای آقا سید یعقوب

آقا سید یعقوب -- موافقم

رئیس -- آقای طاهری

دکتر طاهری -- موافقم

رئیس -- آقای فهیمی

فهیمی -- موافقم

عضی از نمایندگان -- نفس

رئیس -- چند دقیقه نفس داده میشود

(در این موقع جلسه برای نفس تعطیل و پس از نیم ساعت مجدداً تشکیل گردید)

رئیس -- آقای آقا سید یعقوب

آقا سید یعقوب -- چه چیز مطرح است ؟

رئیس -- خبر کمیسیون مبتکرات

آقا سید یعقوب -- عرض کردم موافقم

رئیس -- آقای فهیمی

فهیمی -- موافقم

رئیس -- مخالفی ندارد ؟

بامداد -- چه چیز ؟

رئیس -- خبر کمیسیون مبتکرات

(خبر کمیسیون مبتکرات راجع بتأسیس مدرسه شبانه روزی مجدداً بشرح سابق قرائت شد)

رئیس -- آقای افسر

افسر -- بنده موافقم

رئیس -- آقای شیروانی

شیروانی -- موافقم

رئیس -- آقای زوار هم موافقت ؟

زوار -- بله

رئیس -- بعد رأی گرفته شود آقابانیکه این طرح را

قابل توجه می دانند قیام فرمایند

(اکثر نمایندگان قیام نمودند)

رئیس -- قابل توجه شد . لایحه فروش خالصجات از

ماده نهم مخرج ستب آقای آقا سید یعقوب

آقا سید یعقوب -- قرائت شود

رئیس -- مذاکرات در جلسه گذشته شده است چون

عده کافی نبود بقیه مذاکرات موکول به امروز شد .

آقا سید یعقوب -- بله راجع به دیون است . دیون

مسلم است . باز فرمایند آقای شیروانی بیان کردند .

بنده ناچارم آنجا بیایم عرایض را مفصل عرض کنم

(در اینموقع در محل نطق حاضر شدند) بنده توجه

می دهم آقای شیروانی را بآن چیزیکه آروز فرمودند که

خبر ما نمیتوانیم این مسئله را به قانون سابق قرار

بدهیم . بنده عرض کردم در قوانینی که از مجلس میگردد

قطع نظر از اینکه وزراء بقانون نگاه نمیکنند يك فروعی

پیش خود ترتیب می دهند که اصل قانون از موقع

انشاء تا اجرا بقدری تفاوت دارد که هیچ نمیشود با هم

مقایسه کرد . در صورتیکه انشاء قانون غالباً بقدری

سهل و ساده و خوب و برای مملکت مفید است که

بهر از آن نمیشود . مثلاً همین دادن دیون دولت .

دادن دیون دولت لفظش بسیار خوب است ولی بنده خواستم عرض کنم که اگر بگذرد ما نتایج را نگاه کنیم می بینیم که مظلوم تر از دولت در دنیا کسی نیست . « لفظ دولت » بکوفتی بنده رفتم مشهد . گفتند حضرت رضا قرض دار است . هر چه فکر کردم که

حضرت رضا اردو کشی کرده ؟ نفری کرده ! چه شده است که حضرت رضا قرض دارد ! گفتند صد و بیست هزار تومان حضرت رضا قرض دارد . دارالشفاء درست کرده ؛ مدرسه درست کرده ؛ راه آهن درست کرده ؛ خیر لیکن حضرت رضا قرض در است شده بعد فهمیده که يك عده در آنجا نام آنکه خدمه حضرت رضا هستیم بموقوفات را باعبده اند آنوقت حضرت رضا مقرر شد است . فرمودند که حضرت رضا را بده نکشید عین این مسئله آقای شریانی که در آن وقت قسم زاری دولت است . يك شخصي ميگویند ما طلبکار دولت ایران صد سال است يك چرخ دولت ایران است ؟ راه آهن ایجاد کرده است ؛ يك مؤسسه عدالت ایجاد کرده است ؛ يك کارخانه کرده است که گوییم دولت ایران قرض دارد است ؟ چینی چنان کرده است که بانکها را نکرده است ؛ راه آهن از این طرف ایران تا آن طرف ایران درست کرده است که کار را نکرده است است است اهوا را هم که نیست است . بقول شما متجسسین يك دارالفنون عالی هم که حقیقه علاوه عالی در آنجا تحصیل بشود درست نکرده است . مریضخانه هم که درست نکرده است معذک هر سالی هم مالیات گرفته اند هر سال هم ملت ایران که خیلی مطیع و منقاد است تمام مالیات هائی را که تصور شود ، آن زوایدی که مأمورین مالیه میگیرند همه را داده است از قبیل رفتن محصل و مأمورین در خانه های رعیت و تمام اینها . باز می گویند دولت مقروض است آخر ای داد بیداد این دولت چطور مدیون است ! آن وقت این اسم مقدس دولت بقدری مظلوم است که یک نفر طرفدار برایش پیدا نمیشود لیکن نام دولت این دین ها را درست کرده اند . آقا دولت ایران چطور مدیون است ؟ کی مدیون است ؟ یکمده جمع میشوند . بسم دولت شاه پول ها را میکنند قوی جیششان و میگویند دولت مدیون است . بنده عرض میکنم باید يك قده های اساسی

بردارید . بنده باین کمیسیونهای که در وزارت خاها تشکیل میشود برای تعیین دین دولت ابتدا عقیده ندارم هم منظور که در دوره سوم معین شد کمیسیون تطبیق حوالجات بنظارت مجلس باشد . يك کمیسیون از مجلس معین می شود بود آنجا بنشینند و معلوم کنند که این دولت بد بخت که صد و چهل صد و پنجاه سال است هی می گویند دولت مقروض است . دولت بدکار است . دولت فلان است . بدکار است ؟ بسم دولت و بسم شرف و خورشید مقدس کجا دولت اردو کشی کرده است که قرض پیدا کرده ؛ اینهم عین مثل همان خدمه حضرت رضا است که بسم حضرت رضا را قرض دار کرده اند . حالا دولت ایران با هم قرض دار کرده اند . این کله (دیون مسلم دولت) این قانون را هم می اندازد بعین همان چهار میلیون در دوره پنجم . ای دادیم این را هم بکلی از بین میبرد . این ماده از ثنوی است و بنده هیچ دین داده عقیده ندارم آقا ما میگوئیم مرجع تشاهات عمومی عدلیه است بودجه اش را هم که گذراندیم احتیاجاتی هم داده . همینطور که اگر بنده کاری داشته باشم باید روم در عدلیه دیگران هم اگر عرضی دارند باید بروند آنجا . برای دولت هم فرقی نمیکند متداعین هر کس است باید برود عدلیه . مرجعش عدلیه است . این کار را بکلی از مالیه بگیرد و از دستش در بیورید هر کس از دولت طلب دارد . برود در عدلیه (صحیح است) بنده هیچ عقیده ندارم برود در مالیه . آقا طلب کار کیست . خودم ! بده کار خودم ! طرفین دعوی خودم ! قضی خودم ! مأمور خودم ! مجری هم خودم این هیچ نمیشود . هیچ قانون قضائتی در دنیا نمیشود این کار را کرد . دیون را نگاه کنید . مأمور مالیه طلب کار است ! تخصیلات طلب کار است ! مستاجر خاصه طلب کار است ! این نفهمیدم . پس سوء استفاده میشود در این قانون و بنده عقیده بنوشتن این کله دیون مسلم دولت ندارم و هیچ صحیح نیست و باز هم تکرار

میکنم (آقای شریانی توجه داشته باشید چون این عرض بنده را تردید کردید باید بیشتر متوجه باشید) هر کس طلب از دولت دارد برود در عدلیه اقامه دعوی کند و بگیرد . شریانی (مخبر کمیسیون بودجه) - موضوعی را که نماینده محترم اینجا اظهار میفرمایند دو قسم است یکی راجع به اصل تشخیص دیون دولت است و یکی اینکه مرجع رسیدگی کجا است . در قسمت اخیر بنده هم کاملاً با ایشان موافقم که مرجع رسیدگی بدعوی عدلیه است و متداعین اعم از دولت یا غیر دولت باید بروند بمحاکم صالحه مراجعه بکنند . این محل تردید نیست اما بعنوان اینکه چند فقره با فقرات از دیون دولت ممکن است يك یوهای بی اساسی باشد و ما يك مرتبه زیر دیون دولت بزنیم . بنده در خارج هم عرض کرده که دیون دولت را ما میتوانیم بچهار قسمت تقسیم کنیم و اگر دولت هم در این باب لواجبی برای تصویب بمجلس بیاورد اگر تحت این چهار عنوان باشد بعقیده بنده هم ما زودتر میتوانیم رسیدگی کنیم و هم اگر يك قضاوتی بکنیم قضاوت عادلانه است ؛ بکنوع از دیون دولت دیونی است که مردم بی پول باجنس بدولت داده اند و دولت هنوز پس نداده . این عیناً مثل این است که پول باجنس بيك شخصی داده باشند و او پس نداده باشد . دولت باید حتماً مال مردم را بدهد اعم از اینکه طرف دولت مظلوم باشد (بفرمایش جنابعالی و بعقیده بنده ظالم) یا کسی دیگر . يك قسمت دیگر تعهداتی است که دولت با امضای خودش در مقابل اتباع داخله کرده است این تعهدات را اگر شما یا يك نفر دیگر کرده باشد طرف مقابل شما را میبرد عدلیه و از شما حق خودش را میگیرد . این را هم بنده معتقد هستم در درجه دوم از دیون دولت باید قرار داد . يك قسم دیگر از دیون دولت که در درجه سوم است که باید بعد بیاورند و حالا جلو انداخته اند و همه ما ها را بد بین کرده اند تعهداتی است که دولت در مقابل حقوق

مستخذهین خودش کرده است که پس از پرداخت دیون حقیقی دولت باید آنها هم رسیدگی شود و اگر يك مستخدمی خوب خدمت کرده و مواجب نگرفته باشد او باید اما دین حقیقی یعنی آن پول ها و اجناسی که مرده داده اند بدولت و هنوز نگرفته اند باید پرداخته شود . يك فقره دیگر از دیون دولت که بنده نمیتوانم در این باب قضاوت کنم آن دیونی است که در مقابل قبوض مستمری است که مرده پول داده اند بصاحبین آنها و حالا يك قبوضی در دستشان است که میروند از مالیه مطالبه میکنند . بنده نمیتوانم این چه صورتی دارد . در هر حال مرده يك معامله در برابر کرده اند و باید برای آنها فکری کرد اعم از اینکه بنده معتقد نیاشم که مستمری از دیون دولت است یا نه . این چهار فقره را درجه بندی بکنند و اول مال مرده را که گرفته بدهد بعد تعهدات خودش رفتار کنند و بعد اگر در درجه سوم و چهارم آن دو قسم دیگر قرار بدهند بین اشکالات پیش نخواهد آمد ولی در هر صورت بعقیده بنده همانطور که در مقابل دیون خارجی گفتیم دولت باید امضای خودش را حفظ کند در مقابل دیون داخلی هم بنده معتقدم که دولت باید امضای خودش را حفظ کند و اما ارتباط این اظهار با این ماده . آقای آقا سید یعقوب معتقدند که لزومی ندارد ما این املاک را بعوض دیون به اشخاص بدهیم بعد از آنکه در همان مرجع صلاحیت دار که عدلیه باشد دین دولت نسبت بيك شخصی مسلم شد بنده و اکثریت کمیسیون که ایشان هم آنجا تشریف داشتند و مخالفت کردند اینطور صلاح میدانیم که دین مسلم دولت را که يك مقام صلاحیت داری صحبتش را تصدیق کرده باشد اگر در مقابل آن املاک خالصه بدهند خیلی صلاحیت دارد . زیرا در اینجا ما دو کار کردیم بلکه سه کار مهم انجام داده ایم یکی دین دولت را پرداخته ایم یکی املاک مخروبه را بدست بيك اشخاصی داده ایم و

آنها را آباد کرده ایم که در نتیجه مملکت را آباد کرده ایم و یکی هم در مملکت کار ایجاد کرده ایم آن کسیکه طلبش از دولت مسلم شد و آمد در مجلس شورای ملی و تصویب شد و خواست پول بگیرد آن پول نه آبدی برای مملکت میشود و نه کار. زیرا آن پول از بین میرود ولی اگر ما آن پول را گرفتیم و گذاشتیم در بانک و در مقابل باو ملک دادیم و گفتیم برو آباد کن این اصلاح مملکت است. چون یکمقداری از املاک آباد میشود و آن کسی هم که از دولت طلبکار است بکنفر ملاک کار داری میشود که از اطراف مین ادارات ما خواهد رفت. بنابراین بنده معتقد هستم اگر دیون دولت را درجه بندی بکنیم و مرجع صلاحیت دار هم تشخیص بدهد و مجلس شورای ملی هم تصویب کند آن دین را باید در مقابلش از نقد املاک چندتا که آقای مدرس گفتند باو داد.

رئیس -- آقای یاسائی

یاسائی -- موافقم

جمعی از نمایندگان -- مذاکرات کافی است

کازرونی -- بنده مخالفم با کفایت مذاکرات

رئیس -- بفرمائید

کازرونی -- عرض کنم تصدیق می کنید که یک اکثریتی هست برای گذشتن این ماده لیکن اولاً اجازه بدهید مخالفین این ماده نظریات خودشان را بگویند. اینطور خفه کردن افکار شأن مجلس شورای ملی نیست. بنده عقیده ام این است که هنوز مذاکرات آن اندازه نرسیده که کافی باشد بنا بر این استدعا دارم اجازه بدهند هر کس نظری دارد بگوید بعد هم البته اکثریت موافق است رأی هم میدهد تصویب هم میشود و میگذرد. اما این اجازه را بدهید که دردهای دل خودشان را اینجا اظهار کنند

رئیس -- عده برای رأی گرفتن کافی نیست

رجوع کنید بوزارتخانهها و اداره پرسنل و رانخانه ها به بینید صبح تا شام مشاغل آقایان منحصر است همین چیزها. این دو سه ساعتی که یک مرکز توفیقی است کارشن همین است که آنچه میدهند دیگر از جمله چیزهایی که معمول شده وضع مالیات است در تحت عنوان بنده مملکت پول میخواهد ثروت میخواهد. اعتبار میخواهد. هی مالیات وضع میکنند در صورتیکه مالیات باید از هستی گرفته شود نه از نیستی. مالیات را باید از مردمی بگیرند که اقلاً قوت لاموت داشته باشند لیکن همه آقایان تصدیق میکنند که اکثریت مردم ایران قوت لاموت ندارند دلیل هم که خدا بدهد برکت این کتب دلائل ما لایتماهی است! من نمی فهمم یعنی چه! از روی چه اصلی است؟! گاهی شرعی میآید. گاهی عرف میآید گاهی صدفی میشود. گاهی اخلاقی میشود. گاهی فلان میشود دلائل هم که عقب سر هم مترجم میشود بسیار خوب. حالا هم طرفداری میکنیم از اینکه روح مملکت حیوة جامعه بسته به این است که دیون را ادا بکنیم. اعتبار میخواهیم اعتبار هم بسته است ب دادن دیون و همچنین الی آخر. خدا بدهد برکت دلائل بنا اینجا تحویل بگیر. البته اگر دولت یک دیون مساهی دارد باید تأدیه شود اما مشخص کی باشد؟ نمایان من باب مثل عرض میکنم که در ادارات ما چه کارها میشود. یک قبالة جعلی درست میکنند و یک بست و بندی با رئیس اداره مربوطه میشود و آن قبالة را می برد نشان میدهد و تصدیق میگیرد که قبالة به این سفتی که مطابق این مسوده است بن تسلیم شد مسوده اش را اهداء می کند می دهد دستش و میگوید قبالة پیش من است بعد از چندی میگوید قبالة که بمن داده بودی گمشد مدرک چیست؟ مدرک مسوده است آیا معمول است یا غیر معمول چه عرض کنم ولی ملک را تصرف کردند و تمام شد از این مقوله بسیار است آقایان هم میدانند و همه وقف و امانا و بنسها هستند و

معدک نمیدنم چرا غمض عین میشود؟! چرا صرف نظر میشود؟! فلانکس این جا طلبکار دولت است، کی مشخص است؟ اداره مربوطه. شعبه مربوطه. آنها تصدیق میکنند که فلانکس طلب دارد. همینکه گفت طلب دارد پول نقد هم باید به او داد. چیزی نیست یک منک شش دانگ. یک ملک خرابه بایسد آباد شود. یک خرابه می گذاریم روی این یک آبدی می گذاریم آنجا. این دولت وقتی بهم وصلت بدهیم ببینید چقدر خوب میشود میگوئیم این ملک خراب است آن شخص میرود آباد می کند و بمملکت نتیجه میدهد. بسیار خوب به به چیزی بهتر از این میشود؟ آنوقت نتیجه این میشود یک ملک شدانگی را منت و مسلم یکی از زانو دیده و خورده. پس چه باید کرد؟ بنده عرض میکنم ما میخواهیم معامله کنیم. معامله باید قیودش کم باشد. هرچه قیود کم باشد مشتری زودتر است و رقبت آورتر است و بیشتر و بهتر و زودتر فروش میرود شمه بده درید به اشخص مرجع تضامات عدلیه است مراجعه کنند به عدلیه عظمی اگر آنچه تشخیص دادند که فلانکس طلب دارد طلبش را بدهند. از خزانه عامره بپردازند. ملک دارید بفروشید بدون قید و بدون شرط و بدون اینکه در این جا اسباب دسیسه و حیله و تزویر و پشت هم اندازی فراهم آید برای بردن ملک. برای اینکه تشخیصیکه لان در خارج دهن ها را باز کرده اند این املاک را بده بمانند آقا: این املاک را بگذارید بمنز بده هر که بیشتر خرید باو بفروشید. تبعیض هم قبائل نشوید مثلاً شاگردان مدرسه. اینها حق او را بدهند. بنده بجهت بیخ شش ساله ام را میفرستم مدرسه... شپروانی -- بفرمائید کازرونی -- جانم معارف. هی هی. من چیز دیگری میخواهم عرض کنم... شپروانی -- وکیل پشت تریبون معارف میگوید!

کازرونی - هیچکس را مسخره نکرده ام بنده عرض می کنم مردم برای دسیسه بجه شرف را می فرستند مدرسه...

شیرازی - ربطی بمدرسه ندارد

کازرونی - نه برای مدرسه که جنابعالی طرفدارش هستید و بنده هم این را نمیگویم. برای این قسمت که میگوئید آنها پنج ساله باید بدهند و دیگران ده ساله. دسیسه می کنند برای بردن ملک و او موقت باشد بجه شرف را می برند آن جا شما چرا تبعیض قائل می شوید؟

بنده مشیت معارفم اما میگویم دسیسه در این کار نباید راه داشته باشد من این را میخواهم بگویم. تبعیض قائل نشوید. شما میگوئید در این املاک زارعین و فلاحین حق اولویت دارند و پنج ساله باید بدهند. تصور فرمائید آیا بکنفر صاحب پول هست که نتواند بکنفر زارع از اهل محل را در کار بیورد و با او تباہی بکند و يك استفاده غیر مشروعی بکند؟ بنده به این تبعیضات مخالفم و بالاخره بضرر مملکت تمه میشود و این املاک را هم در نتیجه يك عده میبرند و میخورند و چیزی هم عاید دولت نخواهد شد.

خبر - بنده قصد نداشتم که دفع از فرمایشات آقای کازرونی را هم بنده تعهد کنم و میخواستم سایر موافقین فرمایشات ایشانرا جواب بدهند ولی تخصص آقای کازرونی در تمام علوم و مسائل مملکتی بنده را وادار کرد بیایم چند کلامه جواب بدهم. آقای کازرونی فرمودند که طلب های مزخرف و املاک آباد شده بنده بالاخره طلب مردم و ارتباط با املاک خراب و آباد شده را نفهمیده چیست! ما در این ماده نوشته ایم که اگر يك مؤمن ایرانی حتماً از دولت طلبکار شد و يك محکمه صالحی تصدیق کرد طلب او را باید طلبش را داد. یعنی چه! باری در آوردن از طرف دولت را برای طلب مردم تشویق میکنند! این چیز عجیبی است! دولت را

و همچنین اراضی در فعلی مجازاً بشخاص واگذار میشود که نصف آنرا در سال اول مزروع نمایند.

پیشنهاد آقای مدرس: پیشنهاد می کنم ماده ۹ بترتیب ذیل نوشته شود:

هرگاه یکی از طلبکاران مسلم دولت که از اتباع ایران میباشد در صد خریداری ملک خاصه برآید دولت معادل مبلغی که لازم التادیه باشد از املاک خاصه بمشارکت اعطاء خواهد نمود.

تبصره - در صورتیکه ملکی از املاک خاصه به ترتیب مقرر در مواد (و رعا، شرکاء - و هالی قراء ساکن و مجاور و ایلات که تخت قاپو شوند و اشخاص خارج که نقداً خریداری کنند و طلبکاران مسلم) بفروش نرفت و یکی از اربابین مستمری و شهریه قانونی که از اتباع ایران می باشند حاضر بجهت خریداری ملک خاصه شوند دولت معادل چهار برابر حقوق سابقه او از املاک خاصه بمشارکت اعطاء خواهد نمود و حقوق او تا پانزده سال از خزانه دولت گرفته و جزو سرمت به بانک خواهد شد.

پیشنهاد آقای میرنماز: بنده پیشنهاد می کنم در آخر ماده نه اضافه شود بدعايات ماده چهارم.

پیشنهاد آقای آقاسید یعقوب: پیشنهاد می کنم که ماده نهم حذف شود.

پیشنهاد آقای دهستانی: بنده پیشنهاد می کنم تبصره ماده ۹ بطریق ذیل اصلاح شود:

تبصره - معادل مبلغی که در حساب دیون دولت بابت قیمت خالصات محسوب میشود از خزانه دولت به بانک مسترد و سرمایه اضافه خواهد شد.

پیشنهاد آقای عدل - تبصره ماده نه را بقرار ذیل اصلاح مینماید:

معادل مبلغیکه در حساب دیون دولت بابت قیمت خالصات محسوب میشود بابت سرمایه بانک از خزانه تحویل بانک خواهد شد

طور باشد که مردم دسیسه کنند و بجه شرف را بمدرسه بفرستند خیلی خوب است و بنده این قبیل دسیس را که مستلزم آبدی مملکت است مشروع میدانم و عقیده دارم که باید این ها را تشویق نمود.

در هر صورت ما معتقدیم که بالاخره طلب مسلم مردم با دولت باید بدهد. و از نقد املاک هم بدهد و هر کس هم که دسیسه میکند و بجه شرف را بمدرسه فلاحه میفرستد باید مقوم باشد.

جمعی از نمایندگان - مذاکرات کافی است. کازرونی - آقای عرابض بنده را سوء تفسیر فرمودند بنده باید توضیح بدهم.

رئیس - توضیح نظامنامه دار بود فرمائید.

کازرونی - از رفیق محترم خودم آقای شیرازی استماع می کنم که اظهارات را طور دیگر تفسیر و تعبیر فرمائید بنده عرض نکردم هر کس بجه شرف را بمدرسه میفرستد دسیسه میکند بنده عرض کردم ولو بطور موقت هم باشد برای بردن ملک شدانک اطفالشان را بمدرسه می فرستند اما اگر بنویسید برای فارغ التحصیل های مدرسه فلاحه خیلی خوب است ولی مطلقاً گردیده عقیده بنده خوب نیست. زیرا ممکن است يك کسی ده روز برود بمدرسه و باقی وسیله حق تقدم پیدا کند برای بردن ملک و بعد مدرسه را ول کند. بنده مقصودم این بود و الا بنا معارف مخالفتی ندارم.

جمعی از نمایندگان - مذاکرات کافی است.

رئیس - پیشنهادها قرائت میشود (بترتیب ذیل قرائت شد)

پیشنهاد آقای دشتی: ماده الحاقیه ذیل را پیشنهاد می کنم.

اراضی باثری که ادره مالیه در خوزستان باشخاص مختلفه بشرط نصب نایب و اعیان آن واگذار کرده و مشغول اعیان آن هم شده اند به آنها مجازاً واگذار میشود

پیشنهاد آقای ثابت - پیشنهاد می‌نمایم ماده نهم و تبصره حذف شود.

پیشنهاد آقای فیروز آبادی

بنده پیشنهاد می‌کنم که ماده نهم این قسم اصلاح شود.

ماده نهم - هرگاه یکی از طلبکاران مسلم دولت که طلب ایشان توسط عدلیه ثابت شود و تصویب مجلس شورای ملی پسند تا آخر ماده

پیشنهاد آقای فرهنگند - بنده پیشنهاد میکنم ماده ۹ حذف شود.

پیشنهاد آقای جمشیدی

ماده نه را به طریق ذیل اصلاح و پیشنهاد می‌نمایم

ماده ۹ - هرگاه یکی از طلبکاران مسلم دولت که از اتباع ایران بوده و طالب خود را در محکمه عدلیه ثابت کرده باشد در صدد خریداری یکی از املاک خاصه در آباد

پیشنهاد دیگر آقای مدرس

ماده الحاقیه - کلیه املاک خالصه زراعتی که فروخته میشود دولت مکلف است که بضمیمه بذر معمول آن ملک بفروش برساند.

ایضاً پیشنهاد آقای مدرس

ماده الحاقیه - اشخاصی که بعنوانی از عناوین دارای ملک خالصه میشوند چه بلاواسطه چه بواسطه تبعه ایران خواهند بود.

ایضاً پیشنهاد آقای مدرس

ماده الحاقیه - اشخاصی که ملک خالصه را بقسط خریداری می‌نمایند قسط اول را باید نقداً بپردازند و همیشه هر قسطی را که دادند معادل آن قسط از ملک می‌توانند بغير منتقل نمایند.

پیشنهاد آقای کازرونی

بنده پیشنهاد میکنم ماده ۹ و تبصره حذف شود

رئیس - ماده ده قرائت میشود.

(شرح ذیل قرائت شد)

ماده دهم - برای فروش املاک مزبور صورتی با تعیین حد قل قیمت هر يك از آنها مطابق ماده ۲ تهیه و در تمام ممالک بوسیله جراید و غیره برای مزایده انتشار خواهند داد.

رئیس - آقای بهمداد

بهمداد - بنده با این لایحه کاملاً موافق بوده و هستم و مخالفم با این ماده نه برای این است که معتقد باشم املاک باید در دست دولت بماند. خیر بنده این عقیده را ندارم زیرا علاوه بر اینکه دولت فلاح و زارع خوبی نیست اگر بن املاک در دست مردم باشد خیلی آبادتر و بهتر خواهد شد.

چنانکه املاک خورده مالك خیلی از املاک خصوصی آبادتر است.

ولی بنده عرض میکنم ما باید يك وسایلی فراهم کنیم که حتی الامکان مأمورین دولتی به مردم کمتر اصطکاک پیدا کنند. در اطراف این لایحه چه در موقع شور در کلیات و چه در خلال مذاکره در مواد يك مذاکراتی شد بعضی ها اصلاً مخالف با فروش بودند و بعضی از آقایین اظهار میفرمودند که این املاک باید مجاناً بین رعایا و زارعین تقسیم شود. يك عده هم که موافق بودند با فروش اظهار نگرانی می‌کردند از این که پولش چه خواهد شد. و تصور میکردند که افراط و تفریط میشود. از این جهت نگران بودند و بجهت همین نظریات و نگرانی ها این لایحه گرفتار تعلل شد و تا بحال مانده و شور او اش هنوز تمام نشده در صورتیکه بعقیده بنده یکی از بهترین لواجیحی است که در دوره ششم بایستی تصویب شود. بنده يك نظری انحاء کرده ام که لازم است عرض کنم. این نظرم اختراع و ابداع خودم نیست بلکه يك وقتی باجماعی از متخصصین در يك جائی

واقع شده. در آنجا ظهارتی شد و بعد بنده مسئله را تعقیب کرده و خصوصیاتش را پرسیده و در اینجا هم آقای دهستانی مشرور کرده و چون شور اول است حالا عرض میکنم و در معرض افکار آقایین میگذارم برای اینکه در اطرافش يك مطالعه بشود و اگر خواست انشاءالله بآن عمل شود و همینطور لایحه را تنظیم کنند این نظریه جمع میکنند مابین تمام نظریات را که ملک فروخته نشود و در دست دولت هم نماند و مستلزم آبدی هم هست و از آن طرف منافع را هم که دولت از خالصه میبرد آن منافع را هم خواهد برد بدون اینکه چیزی برود چه تحمیل شود و بودجه اش هم صرفه جویی میشود. دولت تاکنون چندین قسم در املاک خودش معامله میکرده. يك قسم فروشی بوده به منظور که مثلاً صد شرفی میگرفته و املاک را میفروختند. بن فروش قطعی است و بطور بیع قطع تمام شد. يك قسم فروش بشرط است که مبدأً خالصات انتقالی است. و يك قسم هم اصول پنج و دو است.

آقای سید یعقوب - شور در کلیات است؟

بهمداد - در ماده ست. با ماده مخالفم. قسم دیگر یکی تقسیم جریبانه و یکی هم اصول بمقاطععه است. تمام باغات شهریار و باغات خالصات حومه با اصول جریبانه اداره میشود. جریب هزار و دوست ذرعی و دو هزار و چهارصد ذرعی. دولت از اینها از دوریل تا دوازده قران و دهشاهی میگیرد. ملك اساساً مال دولت است ولی برگذار کرده و در ازاء آن از هر جریب از دوریل تا دوازده قران و ده شاهی میگیرد. و صاحب بیغ هم از هر باغی در سال پنجاه شصت تومان میوه میفروشد. و در عین حال در شهریار دولت صد هزار جریب دیگر هم دارد که با پنج و دو و اصول مالکانه معامله میکنند و هیچ فایده هم ندارد. - یکی هم اصول مقاطعه است و در خیلی از نقاط هست که حسبالمقاطععه عمل میشود. چندین نقطه در اطراف شهر هست مثل

کلاک نزدیک کرج. فشنند. شفیع آباد شهریار. که در این نقاط بطور مقطعه عمل میشود. و همانطور که از زمان حاج میرزا آقایی معمول بوده عمل میشود اگر چه گاه گاهی يك تعددنی از طرف مأمورین عدلیه هم میشود ولی ملاحظه کنید آبدترین املاک است زمین را صاف میکنند. دماش خنک میریزد و زحمت میکشند و زراعت میکنند. چرا؟ برای اینکه مال خودش است پس در این چون این نظریه را بنده از اهل خبره اتخاذ کرده و آقای دهستانی هم مذاکره و مشورت کرده در این مورد که تصمیم بفروش خالصات شده بنده لازمه دانستم این نظریه را عرض کنم که از فروش خالصات صرف نظر شود و اینطور بشود که به حسب المقاطعه به بطور جریبانه و گذار شود و این بهترین طرق است. ولی مشروط بر این که ترتیب و تعدیلی شود که تعدی برعانه وارد نمیشود. و اگر این ترتیب بشود به عقیده بنده جمع بین تمام نظریات خواهد شد

رئیس - آقای آقا سید یعقوب

آقا سید یعقوب - بنده در مقابل فرمایشاتی که آقای بهمداد کردند چهارم چند کلمه عرض کنم. بنده گاهی مسئله اخطار نظامنامه عرض کرده ولی بیخی و بین لته خود آقای بهمداد ملتفت بودند که این مذاکراتی که فرمودند مذاکره شور در کلیات بود؟ بنده هر چه فکر میکنم نمیدانم چه بود تا جواب عرض کنم.

اگر این مذاکرات را در شور کلیات آخر میفرمودند و در آن موقع اظهار میکردند که این املاک را نباید بفروشیم و خواست بمقاطععه بدهیم باز يك فلسفه داشت ولی در این موقع وارد نبود. اما فلسفه این ماده فی حدنفسه این است که مطابق قانون دیوان محاسبات تمام اموال دولتی که فروش میسرشد باید بطور مزایده باشد. راه مزایده هم اعلان است تا اینکه مردم ملتفت شوند. ولی نقصانی که در این جا هست این است که مدت معین نشده بنده گاهلاً بخاطر دارم که در کمیسیون هم

در این باب مذاکره شد ولی گفته شد که نمیتوان مدتی برایش معین کرد. زیرا خالصجات دولت زیاد است و در تمام ایالات و ولایات مقدار زیادی خالصه است که نمیتوان بطور قطع يك مدتی برایش معین کرد. و راه این مسئله اینست که هر ساله بترتیبی که نظامنامه معین خواهد کرد در تمام ایالات و ولایات و قصبات و دهات اعلان کنند و به مزایده بگذارند. مزایده يك اصول مسامی است که مطابق با قانون محاسبات است و هیچ اشکالی هم ندارد.

جمعی از نمایندگان - مذاکرات کافی است.

کازرونی - بنده به کفایت مذاکرات مخالفم.

رئیس - بفرمائید.

کازرونی - در اینجا هیچ معین نشده که مدت اعلان چند وقت است. آیا شش ماه بعقیده آقایان کافی است یا نه؟ نظر باینکه خالصه دولت در تمام اقطار مملکت زیاد است و بطوریکه در این لایحه در نظر گرفته اند. باید بدهاقین هم فروخته بشود و بنده عقیده ام این است این مدتی را که برای اطلاع آنها معین کرده اند کافی نخواهد بود و بعلاوه مدتهم ندارد.

رئیس - این مذاکره راجع بماده بعد است. مذاکرات کافی است

(گفته شد: بلی کافی است)

رئیس - پیشنهادها قرائت میشود.

(بشرح ذیل قرائت شد)

پیشنهاد آقای سهرابخان ساکینیان. بنده پیشنهاد میکنم در ماده دهم بعد از کلمه و غیره اضافه شود شش ماه قبل از اعلان مزایده.

پیشنهاد آقای دهستانی. بنده پیشنهاد میکنم در ماده دهم سطر دوم بعد از کلمه تهیه نوشته شود و در تمام مملکت حتی در قراء و قصبات و مراکز بوسیله اعلان برای مزایده انتشار خواهند داد.

پیشنهاد آقای مدرس. پیشنهاد میکنم ماده دهم بطریق

يك قسمت از مخارج وزارت مالیه مربوط بتشکيلاتی است که راجع بخصایج است چنانچه کراراً هم در این جا صحبت شده و حالاً اگر ما رأی دادیم بفروش خالصجات لازم است این است که این اداره خالصجات که در مرکز تشکیل شده است باید منحل شود. و يك قسمت از مخارج انتفاعی هم باید ازین برود زیرا دیگر این مخارج موضوع پیدا نخواهد کرد. ولی بعقیده بنده این قانون قدری ناقص است.

و بنده نمیدانم که این خالصجات تا چند وقت دیگر بفروش خواهد رسید و تا کی این اداره خالصجات وجود خواهد داشت و بعد از چند وقت دیگر منحل میشود؛ بالاخره ما باید يك مدتی برایش معین کنیم که بعد از آن مدت دیگر این اداره منحل شود و الا اگر اینطور باشد چون نقل و انتقال این املاک ممکن است به طول انجامد و خود اداره خالصه هم برای دوام خودش ذی نفع است که این کار را طول بدهد ازین جهت بنده عقیده دارم که باید ضرب الاجلی برای این کار قرار بدهیم و در این قانون بگنجانیم که مثلاً بعد از یکی دو سال اصلاح دوره خالصه باید ازین برود و دیگر نباید وجود داشته باشد و الا اگر غیر از این باشد و الا خود اداره خالصجات برای بقاء خودش مشکلات در بنکار فراهم خواهد کرد و بعلاوه بعد از فروش خالصجات هم باز این اداره وجود خواهد داشت و همان مخارج زیادی باقی خواهد بود.

رئیس - آقای آقا سید یعقوب

آقا سید یعقوب - آقای یاسائی دست زدند بیک نعمه که خیلی صحیح است و حقیقهً يك مسئله اساسی است ولی بنده از ایشان متوقع هستم که با این مسئله اساسی در کمیسیون بودجه مساعدت کنند نه در اینجا. در کمیسیون بودجه باید مردانه همت کرد و این بودجه کمر شکنی را که ۹ کرور است تقلیل داد.

وزارت مالیه در ازای چهار میلیون مالیات مستقیمی

که وصول میکند ۹ کرور بودجه دارد. این مسئله را

حقیقهً باید تعقیب کرد و يك زمینده اساسی برای آن درست کرد. خوب است ما نگاه کنیم به بودجه های تمام دنیا و به بنیم ترتیب جمع و خرج سایر جاها چیست؟ حالاً هیچ همچو چیزی نشده که يك وزارتخانه چهار میلیون وصول کند و نه کرور خرج داشته باشد. این وضع ملاحظه بفرماید عقبیت کار بجا خواهد رسید. گمراهی چه ربطی بسوزارت مالیه دارد! عوائد نطف جنوب چه ربطی بسوزارت مالیه دارد! عدلیه عوائد دارد چه مربوط بسوزارت مالیه است! روی هم رفته وقتی که ما حساب کنیم می بینیم هشت کرور میگیریم و نه کرور خرج می کنیم. این يك مسئله اساسی است که باید مورد دقت و مطالعه مجلس شورای ملی باشد. و همواره باید بیک اتفاقی در این کار جدیت کنیم و این بدبختی ختمه دهیم. لیکن این ماده متعرض آن نیست. زیرا بنده راجع این است که کدام وزارتخانه مأمور جری این قانون است. ما در اینجا مجبوریم که معین کنیم مأمور اجرای این قانون وزارت عدلیه است. ولی ممکن است شما پیشنهاد کنید که وزارت عدلیه در ظرف چه موعده و چند سال بعد این قانون را متوقع جری بگذارد. این ممکن است ولی نمی توان بگوئیم که مثلاً وزارت فوئد عامه مأمور اجرای این قانون باشد. اما راجع به اداره خالصه و اجزاء آن شرحی فرمودند مناسب نبود زیرا پس فردا دو مرتبه دور مجلس يك طوفی خواهد شد و باز دو مرتبه مسئله عفو عمومی پیش میآید. خبر آقای اینها اینکه در خالصه هستند بکار نخواهند شد. و واقف میخوریم که باین ها کار بدهیم. چرا که برای اینکه ما در مملکت بیک کارهایی دست زده ایم که اجزاء خیلی لازم دارد مثل راه آهن و غیره و البته این کارها اعضا و آدم لازم دارد مقصود این است که طوری نشود باز پس فردا جلوی مجلس بیایند و بمجلس حمله کنند.

بعضی از نمایندگان - مذاکرات کافی است.

رئیس - پیشنهاد آقای یاسائی.

(مضمون ذیل خوانده شد)

پیشنهاد میکنم در آخر ماده یازده اضافه شود.

(و بعد از یکسال اداره خالصجات مرکز و ولایات

را منحل نماید)

رئیس - شور اول تمام شد باید رأی گرفت برود

در شور ثانی. آقایانیکه ورود در شور ثانی را تصویب

میکنند قیام فرمایند.

(عده زیادی قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد. جلسه را باید ختم کنیم.

جلسه آتیہ روز یکشنبه دستور هم اگر تصویب میفرمائید

لابحه اضافات وزارت خارجه و فوائد عامه.

(مجلس بیست دقیقه بعد از ظهر ختم شد)